نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال نوزدهم - شماره ۸۲۸ یکشنبه ۷ آذر ۱۳۹۵- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

آیا اصلاح طلبان و اعتدالیون برنده انتخاباتند؟

انتظار صدای واحد اصلاح طلبان و اعتدالیون در انتخابات آینده

سیامک برازجانی
صفحه۸

گزارش استاندار بوشهر از سفر وزیر بهداشت به بوشهر:

پروژه های جدید بیمارستانی، تحولی تاریخی در درمان استان بوشهر

صفحه۶

یازدهمین سالکوچ شاعر ماندگار ایران زمین منوچهر آتشی



منوچهر آتشی و خلیج فارس

دکتر یوسف کرمی چمه
صفحه ۴

تأمّلی بر شعر «خنجرها، بوسه ها و پیمان ها» از منوچهر آتشی

محسن احمدوندی
صفحه ۵

۳

سرمایه انسانی بزرگترین دارایی و ثروت یک کشور است

محمد محمدی باغملایی

۳

به داد پارک لیان برسید

محمد اصلانی

۷

در قبال حقوق قانونی فرزندانمان در نظام آموزشی این کشور مسئولیم

امید سعیدی

۸

تعجیل و تهی کردن معنا و محتوا در نکوداشت دسته جمعی مفاخر فرهنگ و ادب

بابک شاکر

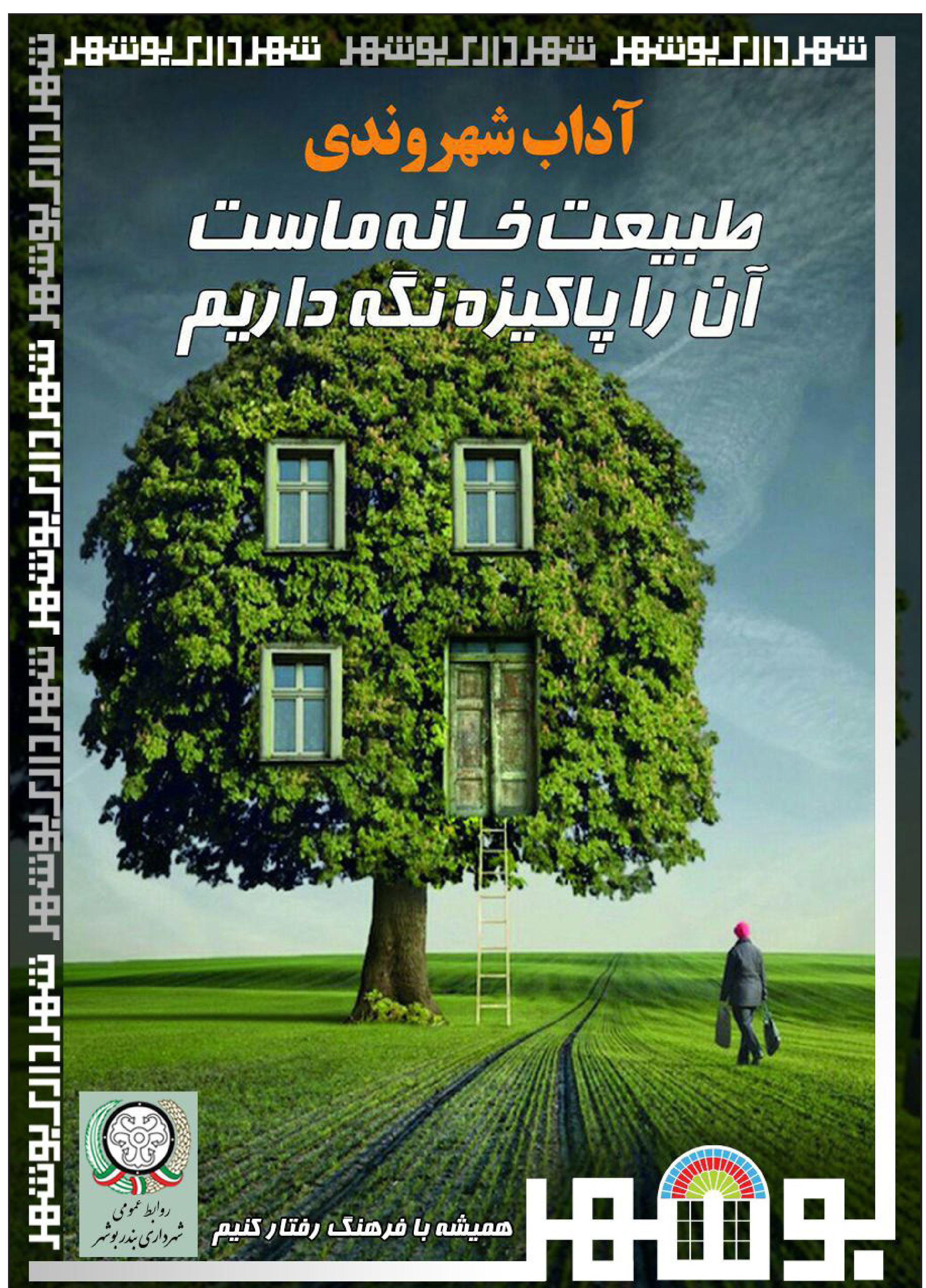
برگزاری نشست هم اندیشی توسعه استان بوشهر در زمینه آب شرب

سرمایه گذاری سه هزار و ۹۱۰ میلیارد ریالی دولت تدبیر و امید در آب شرب بوشهر



معادل دو برابر دولت قبل، در بخش آب استان بوشهر هزینه شده است

صفحه ۲





خبر
شماره ۸۲۸ یکشنبه ۷ آذر ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

مدیرکل امور بانوان استانداری بوشهر:
بانوان استان بوشهر در حوزه آسیب‌های اجتماعی توانمندسازی می‌شوند



مدیرکل امور بانوان و امور خانواده استانداری بوشهر گفت: بانوان استان بوشهر در حوزه آسیب‌های اجتماعی توانمندسازی می‌شوند.
به گزارش خبرنگار مهر، فاطمه دهقانی در همایش زندگی، صلح و امنیت زنان اظهار داشت: ۲۵ نوامبر برابر با پنجم آذر را روز محو خشونت علیه زنان نامیده شده است و تلاش می‌شود که این موضوع در جامعه بررسی شود بتوان خشونت علیه زنان را کاهش داد.
وی با اشاره به برگزاری برنامه‌های مختلف و متنوع برای بانوان در سطح استان بوشهر، اضافه کرد: طرح امیدهای اجتماعی با هدف ارتقای سرمایه‌های فرهنگی و تحکیم بنیان خانواده در استان بوشهر اجرا شده است.
مدیرکل بهزیستی استان بوشهر نیز در این نشست اظهار داشت: مراکز مداخله در بحران یکی از مراکز تاثیرگذار در ایجاد آرامش بین خانواده‌های دارای مشکل بوده است.
خدیجه پوربهی با اشاره به اینکه پس از مراجعه نوع مشکل شناسایی و فعالیت های مختلفی در راستای حل مشکل برای فرد و خانواده انجام می‌شود، افزود: تا حل کامل مشکل در صورت نیاز فرد در مراکز بهزیستی نگهداری می‌شود و خدمات لازم نیز ارائه خواهد شد.
سیمین کاظمی پژوهشگر اجتماعی نیز در این همایش بر لزوم ارائه آموزش‌های مناسب به زنان تاکید کرد و گفت: خود زنان نیز در برخی موارد دست خشونت ورز می‌شوند.

شمار سازمانهای مردم نهاد زیست محیطی استان بوشهر به ۱۹ تشکل رسید

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر گفت: با صدور مجوز فعالیت سه سازمان مردم نهاد حوزه محیط زیست شمار سمن های این حوزه در استان بوشهر به ۱۹ تشکل رسید.
به گزارش ایرنا، حسین دلشب در نشست هماهنگی دبیرخانه دائمی طرح زیست محیطی توسعه سبز (طرح امید اجتماعی) افزود: توجه دولت تدبیر و امید، سازمان حفاظت محیط زیست و این اداره کل مبنی بر استفاده از ظرفیت های مردمی برای حفاظت از محیط زیست است. دلشب یادآور شد: انجمن محیط زیستی شول سبز (در محدوده شهرستان گناوه)، انجمن دوستداران محیط زیست آبپخش (در محدوده شهرستان دشتستان) و انجمن حامیان طبیعت کوه سیاه (در محدوده شهرستان دشتستان) سه انجمنی هستند که بتازگی از هیات نظارت بر سازمانهای مردم نهاد استانداری بوشهر مجوز فعالیت دریافت کردند. دلشب با اشاره به اینکه بیش از ۳۰ انجمن زیست محیطی در فرآیند گرفتن مجوز هستند یادآور شد: هم اکنون هفت انجمن مجوز دار با اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر همکاری دارند.

معاون امور عمرانی استاندار بوشهر:
ایجاد شهرهای انحصاری و خاص نفت در کشور، تجربه‌ای ناموفق است

محمد حسن باستی در نشست کارگروه امور زیربنایی استان بوشهر با موضوع بررسی ایجاد شهر جدید پارس در استان بوشهر اظهار داشت: رویکرد مشاور طرح که در این جلسه عنوان کرد، رویکردی نبود که مباحث اجتماعی اسکان و ایجاد شهر جدید را پاسخ دهد.
وی بیان کرد: همچنین اهدافی که تعریف شده برای شهر جدید پارس با توجه به ضرورت حذف طرح اقماری وزارت نفت عنوان شده است و مذاکرات گسترده‌ای هم با نفت داشتیم و حضور صنعت نفت و گاز در جنوب استان پیامدهای گسترده‌ای داشته و بیش از اینکه فرصت باشد موجب شده تا فرصت‌های ما بسوزد.
معاون استاندار بوشهر با بیان اینکه حضور صنعت نفت و گاز مخاطرات جدی در استان ایجاد کرده است، افزود: باید به مدیریت سکونتگاه‌های استان اهمیت جدی داده شود، ضمن اینکه ایجاد شهرهای انحصاری و خاص نفت در کشور، تجربه‌ای کاملا ناموفق است.
باستی گفت: سیاست استان بوشهر این نیست که شهر جدید دیگری برای وزارت نفت در استان پیش‌بینی کنیم ضمن اینکه وزارت نفت هم باید به مسائل اجتماعی در استان توجه بیشتری کند.
وی خاطرنشان کرد: با توجه به حضور صنعت نفت در استان، باید هزینه حضور و استفاده از منابع خدادادی این منطقه را هم بپردازد.

برگزاری نشست هم اندیشی توسعه استان بوشهر در زمینه آب شرب
سه هزار و ۹۱۰ میلیارد ریال معادل دو برابر دولت قبل، در بخش آب استان بوشهر هزینه شده است



استاندار بوشهر گفت: با توجه به میزان مصرف بالای آب از سوی بوشهریها و بحران کم آبی تنها راه مقابله با این مشکل اصلاح الگوی مصرف است.
به گزارش ایرنا، مصطفی سالاری در نشست هم اندشی توسعه استان در زمینه آب شرب استان بوشهر افزود: سرانه مصرف آب در این استان در ۱۰ سال اخیر ۱۶۴ لیتر در روز بوده است که از سرانه ملی ۱۵۷ لیتر بیشتر است.
وی اضافه کرد: در این شرایط حتی اگر منابع، ظرفیت مخزنها و تولید آب در استان بوشهر افزایش یابد با این شیوه مصرف، راه به جایی نخواهیم برد و مشکل آب در استان همچنان حل نشده باقی می ماند.
سالاری اظهار کرد: سرانه مصرف در استان بوشهر رو به افزایش است و در سالهایی که مصرف پائین آمده نیز در اثر کمبود منابع بوده و هیچ سالی وجود ندارد که با وجود تامین کامل منابع، ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش مصرف داشته باشیم.
وی بیان کرد: با وجود اینکه در زمان حاضر تولید آب در استان بوشهر ۶۰ درصد افزایش یافته ولی با افزایش الگوی مصرف باز هم مردم در مورد آب مشکل دارند.
استاندار بوشهر گفت: تامین منابع آب و جلوگیری از هدررفت آن وظیفه دولت و اصلاح الگوی مصرف هم وظیفه مردم و فعالان این حوزه است.
وی درباره اعتبار هزینه شده در بخش آب استان بوشهر گفت: در دولت دهم یکهزار و ۸۳۰ میلیارد ریال و در دولت یازدهم تاکنون سه هزار و ۹۱۰ میلیارد ریال معادل دو برابر دولت قبل اعتبار از محل های مختلف در بخش آب این استان هزینه شده است.
سالاری اظهار کرد: این میزان اعتبار به غیر از اعتبار آبشیرین کن هاست که با سرمایه گذاری بخش خصوصی انجام می شود و دولت تعهد دارد سالی یکهزار میلیارد ریال برای خرید آب از محل ردیف ملی اعتبار برای استان بوشهر هزینه کند.

۹۰ درصد آب مورد نیاز استان بوشهر از خارج از این استان تامین می شود

وی با اشاره به اینکه ۹۰ درصد آب مورد نیاز استان بوشهر از خارج از این استان تامین می شود گفت: ۶۰ درصد این منابع از سد کوثر، ۳۰ درصد شهر کازرون و ۱۰ درصد از چاه های داخلی استان تامین می شود.
سالاری افزود: در سال ۸۶، ۲۴۵هزار مترمکعب آب در روز به استان بوشهر تحویل می شد که این میزان در سال ۹۵، به ۳۳۷ هزار مترمکعب رسیده است.
وی اظهار کرد: آب از شهرستان کازرون استان فارس از سه خط برای استان بوشهر تامین می شود که هم اکنون تنها دو خط فعال است و در سال ۸۶ از این خط ها ۱۱۰ هزار مترمکعب در روز آب تامین شد و امروز به حدود ۸۴ هزار مترمکعب رسیده است.
سالاری با اشاره به تامین استان از دو منبع رودخانه و چاههای کازرون گفت: چاههای کازرون به دلیل خشکسالی نیازمند حفاری و کف شکنی هستند که این کار با وجود مشکلات اجتماعی بسیار شدید به دلیل آسیب رسیدن به منابع و سفره های زیرزمینی در منطقه انجام شد.
وی بیان کرد: در بخش برداشت از رودخانه شاپور نیز به دلیل اینکه در فصل تابستان این آب برای کشاورزان آن منطقه حیاتی است با وجود نارضایتی کشاورزان ولی با همکاری مسئولان استان فارس صورت گرفت.
استاندار بوشهر گفت: هر چند خسارت انتقال این آب به مردم پرداخت شد ولی مردم منطقه کازرون معتقدند انتقال این آب منجر به تعطیلی کشاورزی آنان می شود و این خسارت همه درآمد قابل وصول آنان را تامین نمی کند.
وی تاکید کرد: با مصوبه شورای تامین و همکاری مسئولان روند برداشت آب از منبع کازرون برای استان بوشهر ادامه دارد که باید برای تابستان آینده در این زمینه فکری اساسی شود.
استاندار بوشهر یادآور شد: از خط کوثر نیز در سال ۸۶، ۹۷هزار مترمکعب آب برای استان بوشهر برداشت می شد که این میزان با افزایش دو برابری امروز به ۱۹۸ هزار مترمکعب رسیده است.
وی گفت: برای جبران کاستی ها در استان پروژه تامین آب شیرین از آب دریا اجرا شد که هر چند پرهزینه است ولی نزدیک به ۱۰۰ هزار مترمکعب از وزارت نیرو مجوز آبشیرین کن برای استان گرفته شده که از این میزان تاکنون ۲۰ درصد معادل ۲۰ هزار مترمکعب به تولید و بهره برداری رسیده است.
سالاری بیان کرد: علاوه براین برای افزایش تولید از منابع داخلی روی چاه های استان نیز اقداماتی انجام شده است.
وی یادآور شد: با توجه به خشکسالی های پی در پی تغییر محسوسی در برداشت چاههای استان دیده نشده به گونه ای که در سال ۸۶، ۳۷ هزار مترمکعب آب از مجموع چاههای این استان برداشت می شد که این میزان در سال ۹۵ به ۳۵هزار و ۵۰۰ مترمکعب در روز رسیده است.
وی افزایش منابع آب استان، کاهش هدر رفت شبکه های انتقال، توزیع و افزایش ظرفیت مخازن را از جمله راهکارهای رفع مشکل کم آبی در استان بوشهر عنوان کرد.
سالاری درباره آبشیرین کن های استان بوشهر گفت: در زمان حاضر پیمانکار آبشیرین کن سیراف پیمانکار تعیین شده و آبشیرین کن ۳۵هزار مترمکعبی دوم بوشهر نیز به مناقصه رفته است و انتظار می رود رکورد کاهش قیمت در این مناقصه را در کشور داشته باشد.



منابع تامین آب استان ۱/۵ برابر می شود

وی یادآور شد: تلاش می شود با اجرای چند طرح عمرانی در حوزه آب، منابع تامین آب استان ۱٫۵برابر شود و به میزان ۱۶۶هزار مترمکعب برسد.
استاندار بوشهر گفت: در ابتدای فعالیت دولت یازدهم در سال ۹۲ ظرفیت مخازن آب شهری استان بوشهر ۱۸۰هزار و ۷۰۰ مترمکعب بود اما در سه سال گذشته ۱۰۶هزار مترمکعب به مخازن آب شهری اضافه شده است و در بخش روستایی نیز ۶۹ هزار و ۸۷۰ مترمکعب ظرفیت مخازن آب روستایی است که بخش بزرگی از آن در دولت تدبیر و امید اضافه شده است.
وی افزود: حل مشکلات فرسودگی لوله های آب در دو سال امکان پذیر نیست اما بخشی عمده ای از افزایش دو برابری اعتبارها مربوط به نوسازی مخازن و لوله های آب است.
سالاری با بیان اینکه آب تصفیه خانه فاضلاب بوشهر برای مصرف آب شرب مناسب نیست، گفت: در جریان احداث دو نیروگاه جدید هسته ای در بوشهر ۲۰۰ هزار مترمکعب آب تولید می شود.
وی در مورد انشعابهای غیرمجاز گفت: با انشعاب ها و کنتورهای غیرمجاز در خانه باغ های احداث شده در این استان برخورد می شود.
استاندار بوشهر افزود: مدیرانی که خانه باغ های غیرمجاز و انشعابهای آب غیر مجاز داشته باشند ابتدا خانه باغ تخریب و در مرحله بعد از مسئولیت عزل می شوند.
وی با بیان اینکه دهکده گردشگری بوشهر نخستین اقدام جدید کشور برای گردشگری دریایی است یادآور شد: دهکده گردشگری بوشهر از نظر زیست محیطی و آب مشکلی ندارد و امکانات بی نظیری در آن مستقر می شود.

امسال سد تنگ ارم آبگیری خواهد شد

مدیرعامل شرکت آب منطقه ای استان بوشهر گفت: از محل اعتبارات استانی امسال سد تنگ ارم آبگیری خواهد شد.
شاپور رجایی افزود: تثبیت حقآبه های استان بوشهر از اقدامهای برجسته استان در سالهای گذشته است که با این کار مشکل انتقال آب تا حدودی برطرف می شود.
وی اضافه کرد: از مجموع تمام طرحهای وزارت نیرو پنج طرح تصویب شد که شامل سه طرح نیروگاهی و دو طرح احداث سد بود که این دو سد شامل باغان و دشت پلنگ در استان بوشهر است و مورد حمایت دولت قرار دارند.
رجایی اظهار کرد: ساماندهی روان آبهای فصلی، وصل نکردن هیچ صنعت آب بر در استان به خطوط انتقال آب و آبیاری نکردن فضای سبز شهری از آب شیرینی که با زحمت زیاد تامین می شود از جمله اقدامات و کارهای در دست اجرای این شرکت در استان بوشهر است.

ضرورت صرفه جویی در مصرف آب

مدیرعامل آب و فاضلاب شهری استان بوشهر گفت: براساس برنامه ریزی انجام شده از رودخانه سعدآباد آب برای سعدآباد و آبپخش تامین می شود.
کیقباد یاکیده با بیان اینکه ۵۰ درصد شهرهای استان بوشهر بیش از استاندارد مخازن آب برای آنها تهیه شده است افزود: ۳۲ شهر در استان بوشهر زیرپوشش آب و فاضلاب شهری قرار دارند که ۱۶ شهر بالای استاندارد مخزن دارند و برای هشت شهر دیگر مخازن در دست ساخت است.وی یادآور شد: در زمان حاضر ۷۵ درصد مخازن شهرهای استان بوشهر به صورت استاندارد تکمیل می شود.
یاکیده با تاکید برضرورت صرفه جویی در مصرف آب گفت: ۶ درصد خانوارهای شهری در استان بوشهر ۴۰ مترمکعب در ماه آب مصرف می کنند.

۶۰۰ کیلومتر شبکه آبرسانی روستایی نوسازی و تکمیل شد

مدیرعامل آب و فاضلاب روستایی استان بوشهر گفت: از سال ۹۳ ردیف اعتباری برای مجتمع های آبرسانی روستایی تعیین شد و در سه سال گذشته ۶۰۰ کیلومتر شبکه آبرسانی روستایی یا نوسازی شده تا پایان سال تکمیل می شود.
وی افزود: اجرای پروژه های آبرسانی روستایی با سرمایه گذاری سه میلیارد ریال در شهرستان جم اجرا می شود.

افتتاح و آغاز عملیات اجرایی ۵۲۳ میلیارد تومان پروژه بهداشتی در سفر وزیر بهداشت



به گزارش اداره کل روابط عمومی استانداری بوشهر، دکتر مصطفی سالاری در نشست جمع‌بندی سفر دو روزه وزیر بهداشت به استان بوشهر اظهار داشت: حضور یک عضو کابینه در یک سفر که به تمامی ۱۰ شهرستان استان هم سفر کرده باشد اتفاقی بی‌نظیر بوده که بنده هیچ‌وقت به یاد ندارم.
وی با قدردانی از حضور تاثیرگذار وزیر بهداشت در استان بوشهر خاطرنشان کرد: برجام دستاورد عظیم دولت است که اثر آن به سلامت را نمی‌توانیم نادیده بگیریم چرا که کاهش هزینه خرید تجهیزات پزشکی، دارو و... بخشی از نتایج برجام بوده است.
استاندار بوشهر بیان داشت: در سفرهایی که یک وزیر یا عضوی از کابینه به استان سفر می‌کند همه باید به دنبال این باشیم که خواسته‌های مردمی را بیان کنیم و قدردان اتفاقاتی هم که افتاده باشیم.
دکتر سالاری افزود: در زمان آغاز به‌کار دکتر هاشمی در وزارت بهداشت، تعداد تخت‌های بیمارستانی استان ۹۰۰ تخت بود الان به ۱۴۰۰ تخت رسیده و تعداد تخت‌های ویژه هم ۲٫۵ برابر شده است.
وی ادامه داد: همچنین در استان دو دستگاه MRI داشتیم که این تعداد اکنون به ۴ دستگاه خواهد رسید و مراکز بهداشتی و درمانی در استان هم توسعه خوبی پیدا کرده است.
استاندار بوشهر با بیان اینکه تعداد پزشکی عمومی و متخصص استان هم طبق آمار سالانه ۲ برابر سنوات گذشته است، اظهار داشت: در سفر دو روزه وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به استان بوشهر، ۵۵ میلیارد تومان پروژه افتتاح و عملیات اجرایی ۴۶۸ میلیارد تومان پروژه دیگر هم آغاز شد. دکتر سالاری اضافه کرد: در بیمارستان شهدای خلیج‌فارس ۳ پروژه کلنگ‌زنی شد که با تکمیل این پروژه‌ها تعداد تخت‌های بیمارستان از ۲۰۰ تخت به ۷۰۰ تخت خواهد رسید، در برازجان هم بیمارستان جدیدی به جای بیمارستان ۱۷ شهریور احداث خواهد شد.

آموزش نکات ایمنی به کودکان و دانش‌آموزان بوشهر

روابط عمومی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی بندر بوشهربا اشاره به ضرورت آموزش نکات ایمنی به دانش آموزان ، از بازدید کودکان و دانش‌آموزان در ایستگاه‌های آتش‌نشانی استان خبر داد. به گزارش روابط عمومی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی بندر بوشهر با اشاره به ضرورت ارتقای ایمنی در سطح شهر و برنامه‌های آتش‌نشانی در این زمینه اظهار کرد: فرهنگ‌سازی در خصوص رعایت مسائل ایمنی و آشنایی با نکاتی در این خصوص باید از سنین پایین مورد توجه قرار گیرد.
خداپرست افزود: همچنین در تعامل با مدارس زمینه بازدید کودکان و دانش‌آموزان از ایستگاه‌های آتش‌نشانی فراهم شده است تا آنان از نزدیک در جریان فعالیت آتش‌نشانان قرار گرفته و آگاهی‌های لازم را کسب کنند.
وی با اشاره به بازدید کودکان در مقاطع تحصیلی مختلف از شروع سال تحصیلی تا کنون از ایستگاه های سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی اظهار کرد: از شروع سال تحصیلی تا کنون ۴۰ مرکز آموزشی جمعا ۲۵۸۵ نفر از ایستگاه های سازمان بازدید نمودند ، در این بازدید دانش‌آموزان با شغل آتش‌نشانی آشنا شده و موارد ایمنی در منزل، شناخت لوازم خطرناک، شماره ۱۲۵ و... به آنها آموزش داده شد.

معاون سیاسی امنیتی استاندار بوشهر منصوب شد

به پیشنهاد استاندار بوشهر و با حکم وزیر محترم کشور، عبدالکریم گراوند به عنوان معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر منصوب شد.
به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، طی حکمی از سوی دکتر رحمانی فضلی وزیر محترم کشور، عبدالکریم گراوند به عنوان معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر منصوب شد.
گراوند پیش از این، معاون مدیر کل سیاسی وزارت کشور بوده است.
فرماندار ایلام، مدیر کل سیاسی انتظامی استانداری ایلام، فرماندار دهلران و فرماندار ایوان از سوابق مدیریتی گراوند است. بر اساس این گزارش، مراسم معارفه معاون جدید سیاسی امنیتی استاندار بوشهر در روزهای آینده برگزار می‌شود.

نماینده مجلس: شهرستان های گناوه و دیلم باید نماینده مستقل داشته باشند



نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی گفت: شهرستان های گناوه و دیلم بدلیل وسعت منطقه و ظرفیت و قابلیت های فراوان موجود باید یک نماینده مستقل در دوره آینده مجلس شورای اسلامی داشته باشند.
به گزارش ایرنا، حجت الاسلام خدری در جمع نمازگزاران این هفته گناوه افزود: در هیچ کجای کشور حوزه ای پیدا نمی شود که مرکزی نظیر استان بوشهر با توجه به جمعیت با دو شهرستان خاص و دارا بودن بخش های مختلف و دارای ویژگی های فراوان یک نماینده داشته باشند.
وی اظهارکرد: باتوجه به ابلاغ سیاست های کلی انتخابات از سوی رهبر معظم انقلاب و براساس بند اول آن تعداد جمعیت و نماینده های حوزه ها باید همخوانی داشته باشندکه عدالت در این ارتباط در حوزه بوشهر رعایت نشده است.
نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی گفت: طرحی برای ارایه به مجلس تهیه کرده ایم تا بتوانیم به حوزه گناوه و دیلم یک نماینده اضافه شود و مرکز استان نیز تنها یک نماینده داشته باشد.
وی به مهم ترین معضلات و مشکلات حوزه انتخابیه اشاره کرد و افزود: در مدت حضورم در مجلس نارسایی و کمبودهای منطقه را به گوش مقام های بلندپایه کشور از جمله رئیس جمهوری و هیات دولت رسانده ام و تاکید داشتم که به همان اندازه که توجه به منافع ملی استان دارند نگاه و توجه ویژه ای به خود منطقه داشته باشند.
خدری، بحث بیکاری و اشتغال را یکی از مشکلات مهم در استان بوشهر عنوان کرد و گفت: بکارگیری درصد زیادی از نیروهای غیربومی در پارس جنوبی یکی از دغدغه هایی است که از حد معقول خارج شده و دراین ارتباط گله مندی خود را در نامه نگاری و پیگیری های فراوان با وزیر نفت انجام دادم.
وی با اشاره به کلنگ زنی فاز دوم و سوم نیروگاه اتمی گفت: در فازهای یادشده هشت هزار نفر مشغول بکار می شوند.
خدری گفت: تعویض پایه های فرسوده برق، آسفالت، آنتن دهی تلفن همراه و اینترنت از عمده مشکلات روستاهای حوزه انتخابیه بوشهر، گناوه و دیلم است که برای برطرف کردن آنان قول های مساعدی از مقام های کشوری گرفته شده است.

نسیم جنوب
مصاحبه
شماره ۸۲۸ یکشنبه ۷ آذر ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

روز جهانی منع خشونت علیه زنان
نه به خشونت ....

اکبر توسلی



در مواجهه با خشونت سکوت نکنیم... روز ۴ آذر ماه که «روز جهانی رفع خشونت علیه زنان» نام گرفته است، تا ۱۹ آذر ماه که «روز جهانی حقوق بشر» است، کارزارهای مختلفی در جهت آگاه‌سازی و ترغیب گروه‌های مختلف در جهت انجام اقدامات عملی برای پایان دادن به خشونت علیه زنان و دختران در جهان انجام می‌شود.

چرا جلوگیری از خشونت علیه زنان اهمیت دارد؟ از میان هر ۳ زن در جهان، ۱ نفر در زندگی خود به نوعی خشونت فیزیکی و یا جنسی را تجربه کرده است؛ اغلب این خشونت‌ها توسط اطرافیان نزدیک اعمال می‌شوند. این رقم در مقیاس جهانی و حتی در مقایسه با بیماری‌های همه‌گیر بسیار گسترده است. اما برخلاف هر نوع بیماری، عاملان خشونت علیه زنان، و در برخی موارد حتی جوامع، انتخاب می‌کنند تا مرتکب این خشونت‌ها شوند و به همین دلیل هم می‌توانند انتخاب کنند تا به این خشونت‌ها پایان دهند. خشونت امری اجتناب ناپذیر نیست و می‌توان از وقوعش جلوگیری کرد. اما ریشه‌کن کردن آن به سادگی ریشه‌کن کردن ویروس‌های همه‌گیر نیست که با واکسن از بین می‌روند. نه تنها که واکسن و دارویی برای درمان این بیماری وجود ندارد، که خشونت یک دلیل واحد هم ندارد.

در این ۱۶ روز گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، افراد سرشناس و حتی برخی شرکت‌های خصوصی تلاش می‌کنند تا با انجام اقدامات مختلف به پایان دادن به خشونت علیه زنان و دختران کمک کنند. مانند انواع نقض حقوق، خشونت علیه زنان فارغ از محل وقوع، باعث خدشه‌دار شدن کرامت انسانی است. اما خشونت علیه زنان فقط موضوعی مربوط به عدالت‌خواهی نیست، بلکه عواقب منفی آن بر جامعه و اقتصاد نیز تاثیر مستقیم می‌گذارد. کسانی که مورد خشونت واقع می‌شوند بازدهی کمتری دارند. به علاوه، خشونت مانع نوع‌آوری و خلاقیت آنها می‌شود. از اینها گذشته، معمولا فعالیت اجتماعی این افراد کاهش چشمگیری پیدا می‌کند. همه اینها هزینه‌هایی است که به جوامع تحمیل می‌شود و موانع بیشتری را در راه پیشرفت آنها قرار می‌دهد.

جوایز تحصیلی بنیاد ملی نخبگان در گفت و گو با محمد محمدی باغملایی دانشجوی مستعد بوشهری:
سرمایه انسانی بزرگترین دارایی و ثروت یک کشور است
دانشگاه ها، استعدادهای برتر خود را جذب کنند

امید حیدری: بنیاد ملی نخبگان هر ساله به تعدادی از دانشجویان صاحب استعداد برتر جوایز ویژه تحصیلی اعطا می کند. این جوایز شامل ۴ جایزه به نام یکی از دانشمندان شهیر اسلامی- ایرانی شامل جایزه آموزشی با عنوان مصاحب، پژوهشی با عنوان میرشمسی، فنّاوری با عنوان دادمان و جایزه فرهنگ با عنوان شهیدی می باشد. در قالب این جوایز به دانشجویان اعتبار آموزش یاری، اعتبار توانمندسازی آموزشی، اعتبار پژوهش یاری، اعتبار ارتباطات علمی، اعتبار اجرای پایان نامه یا رساله، کمک هزینهٔ شرکت در همایش‌های علمی، اعتبار هستهٔ پژوهشی، اعتبار فرصت مطالعاتی داخلی و خارجی، اعتبار فن یاری، راتبهٔ سالانه، ودیعه اجارهٔ مسکن، هدیهٔ ازدواج، اعتبار سفرهای زیارتی و اعتبار هستهٔ فنّاوری و کارآفرینی اعطا می شود.

در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ تعداد ۸ نفر از دانشجویان دانشگاه های استان بوشهر موفق به دریافت این جایزه شدند و در سال تحصیلی جاری نیز تا ۱۷ نفر از دانشجویان حائز شرایط می توانند از این جوایز بهره مند شوند.

یکی از دانشجویانی که در دو سال پیاپی موفق به دریافت این جایزه شده، محمد محمدی باغملایی دانشجوی دکتری مهندسی شیمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر است. با وی در خصوص افتخاراتی که تاکنون کسب کرده، دلمشغولی ها، فعالیت ها و برنامه هایی که در مسیر زندگی دارد گفت و گو کرده ایم.

– درباره خودت و افتخاراتی که تا حالا کسب کرده‌اید، توضیحی بدهید.

–زادگاهم شهر بوشهر است و این افتخار را داشته‌ام که در خانواده فرهنگی به دنیا آیم. به همین دلیل با تشویق والدینم از اوایل کودکی با کتاب و مطالعه مأنوس شدم. تحصیلات دوره راهنمایی و دبیرستان را در مدارس نمونه دولتی سپری کردم و به دلیل علاقه ای که به ورزش داشتم، همیشه عضو تیم‌های ورزشی مدرسه بودم و تا کاپیتانی تیم بسکتبال بوشهر نیز پیش رفتم. لیسانسم را در رشته مهندسی شیمی از دانشگاه خلیج‌فارس بوشهر گرفتم، سپس کارشناسی ارشد خود را در رشته مهندسی شیمی از دانشگاه فردوسی مشهد با رتبه ممتازی به پایان بردم. اکنون دانشجوی دکتری مهندسی شیمی در دانشگاه خلیج‌فارس هستم. دلیل انتخاب این دانشگاه نیز یکی علاقه و تعصّبم به شهر بوشهر است و دیگر اساتید برجسته و با تجربه آن؛ همچنین بستر مناسبی که در این پایتخت انرژی ایران وجود دارد. در دوره دکتری نیز جزو دانشجویان ممتاز بوده‌ام، چنانکه دو سال پیاپی برنده بورس جناب پروفسور مشفقیان و همینطور جایزه استعدادهای تحصیلی بنیاد ملی نخبگان شده‌ام. در جریان تحصیلات دکتری موفق به چاپ مقالات علمی متعددی در نشریات معتبر خارجی و ایرانی شده‌ام. همچنین در کنگره‌های ملی و بین‌المللی متعددی نیز شرکت کرده‌ام.



– لطفا مختصری در خصوص جوایز تحصیلی بنیاد ملی نخبگان توضیح دهید. به نظر شما میزان پرداخت‌های جوایز مناسب است؟

– بنا به آئین‌نامه بنیاد ملی نخبگان، برنده جایزه استعداد برتر تحصیلی، فقط ۹ ماه از سال مشمول مقرّرات می گردد. جایزه‌ها بهتر است که نسبت به تورّم سالیانه افزایش یابد. باید کمک هزینه حضور در مجامع علمی و کنگره‌های ملی بیشتر شود. همچنین برای انجام تحقیقات و اجرای پایان‌نامه‌های دوره دکتری باید کمک هزینه بیشتری درنظر گرفته شود تا دانشجویان برای خرید وسائل و دستگاه‌های مورد نیاز که عمدتاً گران قیمت هستند، با تنگناهای مالی روبرو نشوند. در ضمن، در آئین‌نامه بنیاد مبلغی برای سفرهای زیارتی و سیاحتی در نظر گرفته شده که تا کنون عملیاتی نشده است.

– چه پیشنهادی برای بهبود اجرای طرح جوایز تحصیلی دارید؟

–یکی از مهمترین کارهایی که در این زمینه می‌توان انجام داد در نظر گرفتن کمک هزینه برای خرید تجهیزات آزمایشگاهی و تست‌های مورد نیاز در دوره دکتری است. با توجه به اینکه این آزمایش‌ها هزینه بالایی دارد با حل این معضل، تأثیر به سزایی در رشد علمی و تحصیل دانشجوی مشمول دارد. اقدام دیگر تخصیص اعتبار و امکانات بیشتر به هسته پژوهشی است. در عین حال باید ترتیبی داد تا آنها به منظور کسب تجربه در نشست‌های علمی و یا همایش‌های مرتبط شرکت کنند و از خدمات مشاوره‌ای علمی (چه سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری) بهره‌مند شوند. با توجه به اینکه یکی از دغدغه‌های اساسی دانشجویان دوره تحصیلات تکمیلی اشتغال پس از فراغت از تحصیل و ادامه حرکت رو به رشد پژوهشی است. باید ترتیبی داده شود تا افراد استعدادهای برتر در دانشگاه‌های محل تحصیل خود جذب شوند.

– آیا حمایت‌ها مفید بوده است؟ تا چه اندازه در مسیر فعالیت‌های شما تأثیرگذار بوده است؟

– به هر حال همین که بخشی از دغدغه‌های مالی ما را پوشش داده و باعث حس رقابت علمی بین دانشجویان شده است، حائز اهمیت است.

– با امتیازبندی‌ها و طریقه گزینش دانشجویان موافقید؟

– مسلماً دانشگاه‌هایی که در مناطق محروم واقع شده‌اند از امکانات و تجهیزات کمتری برخوردارند. با توجه به ارتباط مستقیمی که این امکانات و تجهیزات با خروجی‌های علمی فارغ‌التحصیلان دارد، انتظار می‌رود که حد نصاب امتیازها برای همه دانشگاه‌ها یکسان نباشد. به عنوان مثال، فرد نخبه‌ای که در دانشگاهی با امکانات کمتر در حال تلاش است و خروجی‌های قابل توجهی نیز دارد، مستحق توجه بیشتری است.

– چه مشکلاتی در مسیر حمایت از دانشجویان مستعد وجود دارد؟

–در پاسخ به این سؤال، باید گفت که اول ضرورت حمایت از دانشجویان نخبه و مستعد چیست؟ در عصر حاضر متخصصان امر و صاحب‌نظران واقفند که سرمایه انسانی بزرگترین دارایی و ثروت یک کشور است. نمونه بارز سرمایه انسانی در کشور ما همین وجود استعدادهای برتر تحصیلی در دوره تحصیلات تکمیلی است. اعتقاد راسخ دارم که هر کدام از استعدادهای برتر تحصیلی در اقلیم خود می‌تواند جریان‌ساز باشد؛ بخصوص این امر در استان‌هایی که فاصله بیشتری از مرکز دارند و به تبع آن امکانات کمتری نیز دارا هستند، صدق می کند. بنابراین بها دادن به استعدادهای تحصیلی و پرورش آنها می‌تواند، رنسانسی در آن منطقه و دانشگاه محل تحصیل بوجود آورد. با رونق گرفتن پژوهش در دانشگاه و تولید علم می‌تواند در بلندمدت به جهش علمی و اقتصادی بینجامد. بطور مثال پرورش و بها دادن به افراد مستعد در بوشهر در رشته‌های نفت و گاز می‌تواند این منطقه را به معنای واقعی به قطب انرژی تبدیل کند. با توجه به اینکه نیروهای انسانی متخصص بومی، نسبت به نقاط قوت و ضعف منطقه خودشان آگاهی دارند و با فرهنگ آنجا آشنا هستند، بهتر و بیشتر می‌توانند در جهت ارتقای علمی و صنعتی منطقه کار بکنند. لذا باید آنها در تصمیم گیری‌ها در سطح دانشگاه و استان بیشتر مشارکت داد و در ضمن از آنها به ضرورت مادی و معنوی حمایت کرد تا با فراغ‌بال به تلاش و کوشش علمی خود بپردازند.

– چه برنامه‌هایی برای آینده دارید؟

– استفاده از فرصت مطالعاتی برای کسب تجربه بیشتر و انتقال آن به دانشگاه محل تحصیل و در پی آن گسترش هسته پژوهشی و تأسیس شرکت دانش‌بنیان مرتبط با فعالیت‌های علمی خود، جذب در دانشگاه محل تحصیلم برای ادامه روندی که آغاز شده تا تحقق سایر هدف‌هایی که در نظر دارم از جمله پرورش دانشجویان مستعد دیگری که می‌توانند به پویایی دانشگاه و سربلندی کشورم در همه عرصه‌ها کمک کند.

به داد پارک لیان برسید

محمد اصلانی: با توجه به اینکه در اکثر کشورها، شهرهای بندری زیباترین و بهترین شهر آن کشور می باشند که توجه بسزایی به آنها می شود، اما متاسفانه شهرهای بندری در کشور ما ایران، مورد کمترین توجه قرار می گیرند.

در کنار شهر بوشهر، منطقه وسیع و مرتفعی وجود دارد که متاسفانه هر چه جستجو کردم، حتی تابلویی برای شناختن این منطقه که به اصطلاح پارک می باشد، نیافته و با تلاش بیشتر متوجه سطل آشغالی شکسته شدم که اسم این پارک را بر آن نوشته بودند و متوجه شدم که این مکان به اصطلاح پارک است.

در پارک لیان با توجه به وسعت و قرار گرفتنش در کنار ساحل بکر و زیبای بوشهر، می شود زیباترین و مجلل ترین پارک و هتل و رستوران ......را ساخت. ولی آنجا تبدیل شده به پارک اشباح.

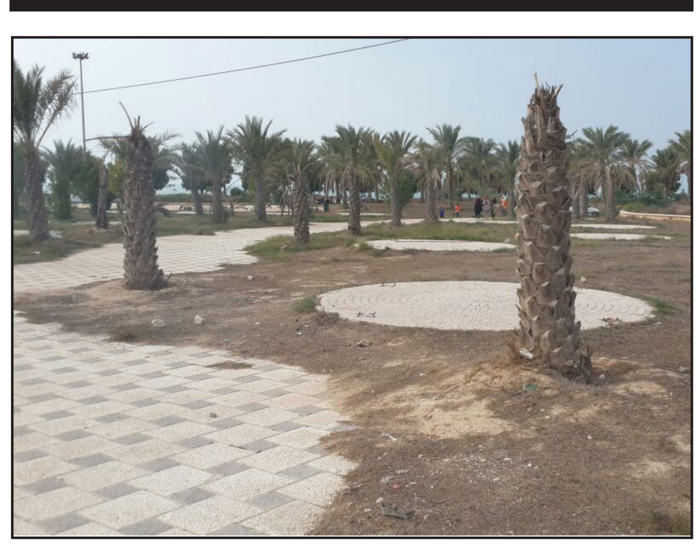
آیا تا بحال خانواده خود را برای تفریح به این پارک برده اید تا از این فضای کثیف و ناهنجار که هیچ شباهتی به پارک ندارد، استفاده کنند؟

آیا کودکان و اهالی مناطق جنوبی شهر بوشهر گناهی دارند که باید بخاطر وقت گذراندن ایام تعطیل خود، مجبور به تحمل همچنین فضای بدی شوند؟

اوایل شنیده می شد بزرگترین پارک خاورمیانه و حال وضعیت آن این است که می خوانید.

شهرداری، نگهبان در آنجا مستقر کرده که حتی هنوز نمی داند کدام ارگان متولی این پارک است فقط اسمی بدنبال خود یدک می کشد.

جناب آقای میگلی نژاد، این مکان با وجود درختانی خشک شده و شکسته، چمن های خشک و سوخته از بی آبی، پیاده رو در هم شکسته،



نخل هایی که آدم را یاد مناطق جنگی می اندازد، آشغال هایی که بدلیل عدم جمع آوری، آنجا را تبدیل به زباله دانی کرده، نیازمند توجه است. آیا حق این کودکان است که به تصویر این پارک در هم گسیخته را در ذهن خود، اینگونه به یاد آورند؟

اعضای محترم شورا که می گویید بودجه منطقه یک را برای منطقه دو داده و هزینه می کنیم، چگونه می توانید به چشم کودکان معصوم و از همه امکانات محروم منطقه دو نگاه کنید که فضای سبز کافی ندارند.

جناب آقای دکتر سالاری، این مکان بدلیل نیاز نداشتن به زیرسازی، لجن برداری و ...... مکان خوبی برای پارک سازی است و اگر کمی هم بفکر این پارک بزرگ بودیم، هزینه هایی که در دهکده گردشگری مصرف شده و می شود، اگر در این مکان می شد و با توجه به ساحل زیبای آن، شاهد تعداد زیادی از همشهریان و موج عظیم مسافران در ایام تعطیل بویژه عید نوروز می شدیم که این مهم باعث رونق بخشیدن به اقتصاد این منطقه و جذب توریست می شد.مدیران محترم استدعا داریم که شهروندان مناطق جنوبی شهر بوشهر را یکسان بدانید و به این پارک وسیع توجه کرده و آنجا را تبدیل به پارک واقعی کنید.



رونمائی از اثر داستانی سعید بردستانی در نمایشگاه کتاب فارس

سومین اثر داستانی سعید بردستانی در نمایشگاه کتاب فارس رونمایی می شود.

نخستین رمان سعید بردستانی با نام «تار مو» در پاییز سال جاری و همزمان با نمایشگاه استانی کتاب شیراز روانه بازار کتاب شد. این رمان کوتاه ۷۰ صفحه‌ای توسط نشر نیماژ و در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه منتشر شد. بردستانی درباره درونمایه این رمان به «فرهیختگان» گفت: «تمام تلاش شخصیت اصلی این داستان این است که از رازی که دارد محافظت کند و در این راه حتی به استقبال فنا و نابودی می‌رود. تنهایی خودخواسته، طرد اجتماع و دفع تهاجم دیگران به حریم خصوصی، از پیامدهای رازداری او هستند.»

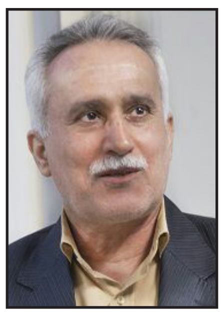
نویسنده «نهنگ تاریک» درباره این رمان گفت: «کار نوشتن آن ۱۱ سال پیش یعنی تابستان سال ۱۳۸۴ در تهران آغاز شد و در زمستان همان سال در بوشهر به پایان رسید، اما بنا به دلایلی تاکنون منتشر نشده بود.»

به گزارش «فرهیختگان» سعید بردستانی با دو مجموعه قبلی‌اش نشان داده است که داستان‌نویس متفاوتی است و تلاش دارد همواره دست به تجربه‌های نو و خلاقانه بزند.

رمان «تار مو» نیز در کارنامه نویسندگی این داستان‌نویس بوشهری کار متفاوتی به شمار می‌رود. سعید بردستانی مجموعه «هیچ» را در سال ۸۵ و ۸۷ توسط انتشارات ققنوس منتشر کرد که توجه مخاطبان و منتقدان ادبی را جلب کرد و کاندیدای جوایزی همچون گلشیری و گام اول شد. همچنین در سال ۹۴ مجموعه «نهنگ تاریک» را توسط نشر پیدایش منتشر کرد که با استقبال خوبی از سوی خوانندگان روبه‌رو شد و به عنوان سومین اثر محبوب داستان ایرانی در سال ۹۴ برگزیده شد و اخیرا برای بار دوم زیر چاپ رفته است.

اقتصاد مقاومتی و مشکلات آن در استان بوشهر

امان‌ا... شجاعی

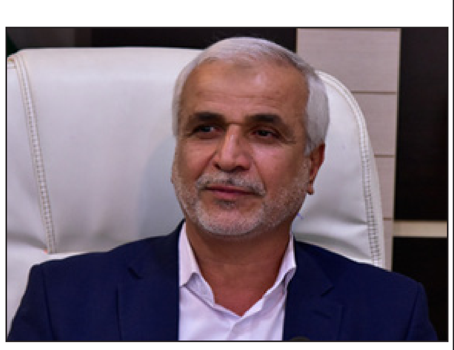


فرهنگ حاکم بر اقتصاد مردم استان بوشهر به ویژه شهر بوشهر، فرهنگی تجاری است. روح حاکم بر اقتصاد مردمی که فرهنگ آنها تجاری است، رفتارها، اقدامات و نیز برنامه‌ها بر اساس معاملات بازاری و کسب و کار و زودبازده است. برنامه‌های اقتصادی در این طرز تفکر کوتاه مدت، توزیع کالا در کمترین زمان و دستیابی به سود قابل قبول در مدت زمان کوتاه است. این رفتار و این چنین اقدامات و نیز چنین باوری در اقتصاد با برنامه تولید، اگر کاملا منافات نداشته باشد، ولی همسو و امیدوارکننده هم نیست.

در پس هر عملی اندیشه‌ای است و در پس هر اندیشه‌ای ذهنیت‌های فرهنگی، خرده فرهنگ‌ها، خاستگاه‌های عاملین عرصه اقتصادی و امثال آن است. این موارد که بر روی هم فرهنگ، اقتصادی را می‌سازد مربوط به یک دوره خاص نیست بلکه مربوط به انباشت مسائل و نیز تاریخ سیاسی و اجتماعی منطقه است و می تواند برای تولیدات اقتصادی و به ویژه در عرصه صنعت مناسب باشد، زیرا فرهنگ صنعتی نیاز به صبر و طاقت زیاد، رفتارهای آرام، محیط غیرخشن، قانون‌پذیری و تسامع و تساهل بالا دارد و دیگر پذیری و زندگی مسالمت‌آمیز با همه دست اندرکاران و عدم ورود به زندگی شخصی دیگران از ضروریات آن است. فرهنگ صنعتی فرهنگی عام و باز است و فرهنگ تجاری با رمز و راز مسائل مگو با رازداری همراه است. فرهنگ صنعتی هم‌نشین گروهی را می‌طلبد و فرهنگ تجاری هم‌نشین محفلی و گفتگو با خودی‌ها و نزدیکان را در مراحل خاص در نظر دارد. منظور از مراحل خاص، مراحل خرید، محل خرید، حجم خرید، زمان وصول کالا، قیمت آن و نیز محل فروش و خریداران است. اما در صنعت که معمولا کالاهای تولیدی حتی اگر کاربرد مشابه داشته باشند ولی عین هم نیستند، نیازی به این رمز و رازها نیست.

ما در استان بوشهر با این روحیه تجاری که خلاصه ای از آنها گفته شد می‌خواهیم تولیدات صنعتی داشته باشیم که خود مشکل و مانع بزرگی است. برای حرکت به سوی حل این مشکل ایجاد امید بیشتر در تولیدکنندگان و دمیدن روح فرهنگ صنعتی در جامعه است که در آینده از آن سخن خواهیم گفت.

شهردار بوشهر مطرح کرد:
کوچه‌های خاکی بوشهر آسفالت می‌شود/ احداث هتل ۵ ستاره



شهردار بوشهر گفت: با برنامه‌ریزی صورت گرفته در آینده نزدیک کوچه‌های خاکی بوشهر آسفالت می‌شود. غلامعلی میگلی‌نژاد در گفت‌وگو با خبرنگار مهر اظهار داشت: به منظور توسعه زیرساخت‌های شهری بوشهر تلاش‌های خوبی را داشته‌ایم و با برنامه‌ریزی صورت گرفته پروژه‌های مهمی در سطح شهر اجرا می‌شود.

وی از آسفالت معابر به عنوان یکی از مهمترین درخواست‌های شهروندان بوشهری نام برد و اضافه کرد: برخی از کوچه‌های بوشهر خاکی است که در آینده نزدیک شاهد آسفالت این کوچه‌ها خواهیم بود.

شهردار بوشهر از زیباسازی خیابان‌ها و کوچه‌ها، میادین، معابر، سواحل و . . . خبر داد و افزود: با طراحی پروژه‌های متنوع تلاش می‌شود که شاهد زیباسازی نقاط مختلف شهر بوشهر باشیم.

وی با اشاره به مذاکرات صورت گرفته با مسئولان بانک شهر مرکزی برای دریافت تسهیلات، خاطرنشان کرد: احداث یک مجتمع تجاری و همچنین احداث هتل پنج‌ستاره در دستور کار است. میگلی‌نژاد ادامه داد: تکمیل پروژه‌های شهری را با جدیت دنبال می‌کنیم و امیدواریم با همراهی و همکاری و تلاش مدیران شهرداری شاهد تکمیل پروژه‌های در دست اجرا تا پایان سال جاری باشیم.

چند شعر از منوچهر آتشی

اندُهت را با من قسمت کن
شادیت را با خاک
و غرورت را با جوی نحیفی که میان سنگستان
مثل گنجشکی پر می زند و می گذرد
اسب لخت غفلت در مرتع اندیشه ما بسیار است
با شترهای سفید صبر در واحه تنهایی
می توانیم به ساحل برسیم
و از آنجا ناگهان
با هزاران قایق
به جزیره های تازه برون جسته مرجان
حمله ور گردیم
تو غمت را با من قسمت کن
علف سبز چشمانت را با خاک
تا مداد من
در سبخ زار کویر کاغذ
باغی از شعر برانگیزد
تا از این ورطه بی ایمانی
بیشه ای انبوه از خنجر برخیزد

***

مثل گل سفید

خوابیده ای کنار من
آرام مثل خواب
خواب کدام خوب ترا می برد چنین
مثل گلی سفید شناور به روی آب ؟
در پشت پلک های تو باغی ست
می بینم
باغی پر از پرنده و پرواز و جست و خیز
در پشت سینه تو دلی می تپد به شور
می شنوم
نزدیک کرده با تو هر آرزوی دور
پیش تو باز کرده هر بسته عزیز
رگ های آبی تو در متن مات پوست
دنباله های نازک اندیشه دل است
در نوک پنجه های تو نبضان تند خون
در گوش کودکی که هنوز
پر جست و خیز ماهی نازاب خون تست
تکبیر زندگی کیست
خوابیده ای کنار من آرام مثل خواب
خواب تو باغ خاطره ها و خیال هاست
می دانم
اما بگو
آب کدام خوب ترا می برد چنین
مثل گلی سفید شناور به شط خواب ؟

***

همیشه
از آن چه نیست سخن می گوییم
از آب در بیابان
و
در خانه
عشق و نان
این گونه
انگار زندگانی را
زیباتر می یابیم
همیشه
از آن چه نیست بلندتر سخن می گوییم
از مهربانی در مهمانی از شرف در سودا
از داد در بیداد جا
تا بوده
این گونه بوده قصه ی ما
دنیای یاوه را انگار
این گونه گواراتر توانیم داشت
اکنون بنشین
تا باری از آن چه هست سخن
بگوییم
از دروغ بگوییم که حرام است اما
مانند قارچ از فراز دیوارهامان بر می خیزد
آن گونه
که جای گندم و گل سرخ را تنگ کرده است
همین

***

منوچهر آتشی و خلیج فارس

دکتر یوسف کرمی چمه

درباره‌ی منوچهر آتشی: منوچهر آتشی (۱۳۱۲-۱۳۸۴ هجری شمسی) در روستای دهرود کوهپایه دشتستان دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی را در محل زندگی خویش انجام داد و در همان دوران ابتدایی متأثر از معلم خویش آقای شرکاء، با ادبیات و شعر و تاریخ و گذشته‌ی ایران و بوشهر آشنا شد (تمیمی، ۱۳۷۸: ۴) و سپس در دبیرستان سعادت بوشهر – که جزء دبیرستان‌های قدیمی ایران بعد از دارالفنون است- سیکل اول را گذراند و در سال ۱۳۳۰ برای گذراندن دانشسرای مقدماتی راهی شیراز شد و بعد از اتمام تحصیل در شیراز به بوشهر برگشت و در بندر ریگ به شغل معلمی مشغول شد (همان: ۶۵). سپس در سال ۱۳۳۹ به تهران آمد تا تحصیلات دانشگاهی را در رشته‌های علوم تربیتی و ادبیات انگلیسی ادامه دهد. پس از اتمام لیسانس در سال ۱۳۴۳ مجدداً به بوشهر برگشت و در آموزش و پرورش مشغول به کار شد (همان: ۲۳۲).
زندگی آتشی فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است که ما برای پرهیز از اطناب و تطویل به دیگر جزئیات آن نمی‌پردازیم و خوانندگان را به کتاب‌های مربوطه ارجاع می دهیم. و در ادامه در اطراف شعر او مطالبی را بیان می کنیم.
آتشی از همان ایام مدرسه شاهنامه‌ی فردوسی، حافظ، رودکی و ... را می‌خواند و کتاب المعجم شمس قیس‌رازی را خریده بود و در بحور مختلف آن کتاب شعرهایی به عنوان تمرین می‌سرود. ظاهراً اولین شعرش را در همین ایام و در روزنامه‌ای محلی به چاپ رساند. (همان: ۲۱)
از نکته‌های دیگری که درباره‌ی آتشی می‌توان مطرح کرد یکی آن است که وی هیچ گاه به هیچ حزبی وابسته نشد و شعرش رنگ مطلق یک حزب را به خود نگرفت. برای او انسان مطرح است. دیگر این که شعر او همیشه در حال تحول و صیرورت بود و هیچ گاه توقف نکرد و به تکرار خود نرسید.
مختاری سه دوره‌ی شعری برای او برشمرده: دوره‌ی اول که محصول آن آهنگ دیگر و آواز خاک است و دوره‌ی دوم که محصول آن دیدار در فلق است و دوره‌ی سوم که دوره‌ی رشد و پختگی اوست و دفاتر وصف گل سوری، گندم و گیلاس و... حاصل این دوران هستند (به نقل از زرقانی، ۱۳۸۳: ۶۰۰).
آتشی به طریقه‌ی نیما و خود نیما بسیار علاقه داشت و به خوبی توانست که منظور نیما را از تحول درک کند. در مصاحبه با شاپور جورکش گفته: «هنوز و همیشه خود را شاگرد نیما می‌دانم و زیرساخت شعرهایم، همه نیمایی است» (جورکش، ۱۳۸۳: ۲۷۴). در شعرهایش نیز اشارات فراوانی به نیما و اشعار او دارد و یک جا می گوید:
دفتر شعرم را به فرّاش پیر «دبستان نیما» سپردم. (آتشی، ۱۳۸۶: ۲/ ۱۳۴۱)
آتشی جریانات شعر معاصر را به خوبی دنبال می کرد و کارهای جوانان را زیر نظر داشت و نشان می داد که علاوه بر شاعری منتقد خوبی هم هست. وی در شماره‌ی ۱۰۴ (اسفند ۱۳۵۵) مجله‌ی تماشا، سه شعر از آریا آریاپور را تحت نام شعر ناب یا موج ناب چاپ و این جریان را معرفی کرد و نشان داد که ذهن بسته و راکدی ندارد و از حرکات جدید استقبال می کند.
انتشار آثار: منوچهر آتشی شاعر پرکاری بود که ۱۳ دفتر منتشر کرد. و دائماً در حال تحول و حرکت بود و درجا نزد. البته وی با زیرکی بسیار در انتشار کتاب شعر عجله نکرد و همین امر موجب شد تا در کتاب اولش که با نام آهنگ دیگر در سال ۱۳۳۹ چاپ شد، شعرهای پخته و خوبی ارائه دهد که بسیار هم مورد توجه قرار گرفت. تصویرها و بازتاب‌های پی در پی از فضای جنوب و حس رمانتی‌سیسم اشعار و بینش‌تراژیک شاعر از ویژگی‌های اشعار این مجموعه است. پس از انتشار این مجموعه، نادر نادرپور در ماهنامه‌ی سخن نقدی نوشت و شعر آتشی را ستود. (تمیمی، ۱۳۷۸: ۱۱۵)
پس از این دفتر، آتشی همچنان به سرودن ادامه داد و دفتر بعدی‌اش را با نام خاک در سال ۱۳۴۶ منتشر کرد. دفتری که نشان از پختگی بیشتر شاعر دارد. محمد علی سپانلو همان سال‌ها نقدی بر آن نوشت. آتشی دو سال بعد دفتر دیدار در فلق را منتشر کرد و سپس در یک سکوتی فرو رفت و تا سال ۱۳۷۰ دفتر شعری چاپ نکرد. اما در این سال دو دفتر گندم و گیلاس و وصف گل سوری را منتشر کرد و از تجربه‌های جدید خود خبر داد.
در این دفاتر شعر او از شعر (اقلیمی – حماسی) فاصله گرفته و به شعر (شهری – غنایی) نزدیک‌تر شده است. ایماژها تغییر یافته‌اند و زبان و موسیقی و عاطفه از آن حالت خشن و بدوی دفاتر اولیه به نرمی گراییده‌اند (زرقانی، ۱۳۸۳: ۶۰۸).
پس از این دفاتر دیگر وقفه‌ای در کار آتشی پیش نیامد و هشت مجموعه دیگر، چاپ رساند. همه‌ی اشعار او در دو جلد در انتشارات نگاه به چاپ رسیده است.

شعر اقلیمی آتشی:

از ویژگی های شعر آتشی اقلیمی بودن تصاویر و زبان آن- به ویژه در دفاتر اولش- است که همین امر در توجه به شعر او بسیار تأثیر داشت. در واقع با انتشار آثار او در مجلات و سپس نشر آن‌ها به صورت کتاب، منتقدان متوجه زبان خاص آن‌ها شدند و از ظرفیت‌های جدیدی که این اشعار به زبان فارسی می‌بخشند، سخن گفتند. تجربه‌های او از اقلیم جنوب، بیابان‌های خشک و نخل‌ها و دریا و ساحل، نقش خاصی در شعر او دارند و مضامین شعر او متأثر از زندگی در جنوب با چاشنی مضامین اجتماعی – سیاسی است.
البته تأثیر محیط جنوب نه تنها در شعر که در داستان‌های آتشی هم دیده می شود. وی داستان‌هایی نوشت که محیط آن‌ها روستاهای دشتستان است و عناصر بومی در آن‌ها به کار گرفته شده است. این داستان‌ها در مجله‌ی تماشا و فردوسی چاپ شده‌اند (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۵۷۰).
تقریباً همه‌ی منتقدانی که درباره‌ی آتشی مطلب نوشته از تأثیر فضای جنوب در شعر او سخن گفته‌اند:
پس از انتشار آهنگ دیگر، نادر نادرپور در ماهنامه‌ی سخن نقدی نوشت و از تأثیرات دور بودن آتشی از محیط تهران در شعرش سخن گفت و یکی از این تأثیرات را در گرایش او به سبزی و خرمی جست، چرا که خودش در شهری خشک و بی آب زندگی می کند و در آرزوی آب است (تمیمی، ۱۳۷۸: ۱۱۵-۱۱۷)
همچنین پس از انتشار آواز خاک، محمدعلی سپانلو در مقاله‌ای با عنوان: شعر اقلیمی در آواز خاک و با مبنا قرار دادن شعر نقش‌هایی بر سفال، به نقد و بررسی شعر آتشی پرداخت. فرخ تمیمی این مقاله را در صفحات ۲۶۳- ۲۶۹ کتاب خودآورده است.



سپانلو در این مقاله می‌نویسد که آتشی در آواز خاک «به معرفی اقلیم می‌پردازد». (همان: ۲۶۸)
آتشی خود، شعرهای این کتاب را که محصول سال‌های ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ او هستند، حاصل تجدید بیعتش با دشتستان و بوشهر می‌داند (همان: ۲۶۹).
محققان دیگر هم به این ویژگی شعر آتشی توجه کرده‌اند: «وی با تصویرهایی پاک و اصیل از زادگاه خود خاصه در «آهنگ دیگر» سخن می گوید. شعر او در بدویت خشن دشت‌های سوخته‌ی جنوب، رنگ و شکل تازه‌ای می گیرد و همین خصوصیت اصالت سبک او را نشان می دهد هم در زبان و تعبیر و هم در بیان و تجربیات واقعی و عینی و تبدیل آنها به شعر» (زرین کوب، ۱۳۵۸: ۲۱۴ و ۲۱۵).
وی سپس اظهار نظر می‌کند که چون آتشی زمینه‌های فکری خاص و روشنی دنبال نکرد و کم کم با روح بدوی شعر خویش وداع کرد و شخصیت خود را به عنوان شاعر طبیعت بدوی از دست داد، علی رغم استعداد شعری و زبان پاک و حماسی او و قدرت تصویرپردازی، شعرش نتوانست به اوجی که انتظارش می‌رفت، صعود کند (همان: ۲۱۵).
گویا ایشان شعر نگفتن و سکوت آتشی را دلیل بر ضایع شدن استعداد شعری او گرفته اند. می دانیم که این کتاب زمانی نوشته شد که شاعر جنوبی ما حدود ۱۰ سال بود که به سکوت شعری فرو رفته بود.
محققی دیگر در جایی که از منبع الهام شاعران معاصر برای ایماژهایشان سخن می‌گوید و از توجه نیما به طبیعت شمال و توجه شاملو به ادبیات کلاسیک غرب و بهره‌ی شفیعی کدکنی و اخوان از فرهنگ کلاسیک ایران سخن به میان می‌آورد منبع الهام فروغ فرخزاد، نصرت رحمانی، نادر نادرپور و منوچهر آتشی را زندگی شهری می‌داند (زرقانی، ۱۳۸۳: ۴۲۲ و ۴۲۳).
باید گفت که اگر چه آتشی عناصر شهری را- البته در دفترهای اخیرش- خوب و به صورت فراوان به کار گرفته است ولی شعر او از این جهت فرضاً با شعر فروغ فرخزاد متفاوت است. آتشی ضمن به کارگیری عناصر شهری و توجه به شهر در عین حال از عوارض شهر هم غافل نمانده و هوای بازگشت به طبیعت را در سر داشته است. به شعر دلتنگی از مجموعه‌ی حادثه در بامداد بنگرید:
بیا به لحظه‌های خاکی خودمان برگردیم /به جرعه‌ی گسِ چای صبح در انتهای گردنه‌ی کابوس/ هنوز که هنوز است/ در عرض جنگل فلز و نفت/ طول فرارهای کودکیم را می‌جویم... (۱۲۷۲/۲)
نکته‌ی دیگر اینکه آتشی در شعرهای اولیه‌اش بیشتر- و تا حدی در سطح – و در سایر شعرهایش کمتر و عمیق‌تر، عناصر زندگی و طبیعت جنوب را به کار گرفته است. در تمام سال‌های شاعری آتشی می‌توان تسلط تصاویر مربوط به نخل و بیابان و آسمان داغ و دریا و دیگر ملزومات طبیعت جنوب را در شعرش دید:
و سنگ / در نیم روز کامل نشسته / فواره‌ی نور نمی گذارد شیرجه بروم در آن / (آفتاب پیش از من رفته) /و سنگ که گنجایش آن همه زردشت ندارد، می‌ترکد /و دانش سوزان او /ماسه‌ی خیس می‌شود زیر پای نهرها / که از تُکِ انگشتان رودخانه/ به سمت بوته‌های گوجه فرنگیِ می‌روند
و قند و رنگ می‌برند برای نارس تُرش (۲/ ۱۹۵۵)
البته این محقق (مهدی زرقانی) به تأثیر اقلیم جنوب در شعر آتشی اشاره می کند ولی در حدود ۱۸۰ صفحه بعد. بهتر بود همان جا که از منابع الهام شاعران سخن می گفت به این مطلب اشاره می کرد.

خلیج فارس در شعر آتشی:

منوچهر آتشی و در واقع اهل جنوب همه با دریا رابطه‌ای عمیق دارند. زندگی این مردمان با دریا پیوند خورده است. از آن روزی می گیرند. با شادی‌اش شاد هستند و با غم و طوفانش غمگین.
به دلیل زیستن کنار دریا و درک آن، دریا در آثار ادیبان جنوبی جایی همیشگی دارد. گاهی فقط برای کامل شدن تصویر بومی به کار گرفته می‌شود و به عنوان عنصری تزئینی نقش در زمینه‌سازی ماجراها ندارد و گاهی محل کشاکش انسان برای ادامه‌ی حیات است مثل به دنبال صید رفتن و اسیر طوفان شدن. در این حالت هم زمینه‌ساز ماجراست و هم تعیین کننده‌ی حرکت آن (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۵۷۱).
اما توجه به دریا در ادبیات گذشته‌ی ما جور دیگری است. در ادبیات کلاسیک طبیعت و در بحث ما دریا به شکل واقعیتی ملموس و مستقل یا عاملی سمبلیک به شعر راه نمی‌یافت. نیما نخستین شاعری است که دریا در شعرش به صورتی دگرگونه نمود می‌یابد (فلکی، ۱۳۷۳: ۲۵).
ایشان سپس درباره‌ی حضور دریا در شعر نیما می‌نویسد: «حضور دریا در پیوند با انسان و برای بیان لحظه‌های تلخ زندگی‌آدمی، و بویژه خود شاعر، معنی می یابد و یک نوع پیوند ارگانیک یا روانی بین حالات و لحظه‌های دریا با حالت انسان تجلی می‌یابد»(همان جا).
همین نکته را درباره‌ی شعر آتشی نیز می‌توان بیان کرد. او هم سال ها، حالات مختلف دریا را به چشم دیده و هر بار سوار بر مرکب خیال رابطه‌هایی میان دریا و حالات مختلف آن با زندگی خود و اطرافیانش یافته است و از این جهت می‌توان دریا را در شعر او همچنین یک الگوی ازلی در نظر گرفت چنان که برخی اسب را در شعر آتشی الگوی ازلی می دانند. یونگ الگوی ازلی را ایده‌هایی می‌داند که از تجربه‌ی قومی به ارث رسیده و در ضمیر فرد مانده و بر ادراک او از جهان تأثیرگذار است (تمیمی، ۱۳۷۸: ۱۳۹)
اما در شعر آتشی دریا و متعلقات آن همواره حضور دارند. ساحل، طوفان، موج، ماهی، صدف، آب، صخره، قایق، پرندگان دریایی و دیگر عناصر دریایی از حاضران همیشگی شعرهای او هستند:
جام سرخ روشن خورشید / با شراب تازه‌ی هر روزش آکنده / آسمان‌های درون سینه‌ات جاری، چشم ساحل را/ بادبان زورق بگسسته لنگر را/ می‌فریبی این همه را، می‌بری این ارمغان ها را کجا، دریا؟ (۱۰۳/۱)
او در اوج زایش شعری قرار دارد و بنابراین می گوید: برخلاف بندرهای دیگر که در آن ها زندگی مرده است، در بندر، شعر من وضع به گونه‌ای دیگر است. توجه کنیم به تسلط ایماژها و عناصر دریایی بر ذهن شاعر.

پای بندرهای دیگر زندگی مرده است
آب‌های تیره می غلطند روی هم
می‌دود خرچنگ هر اندیشه در غار سیاه بهت
جاشوان بر عرشه‌ی مرطوب
خواب‌های تیره‌ی آشفته می بینند
جاشوان بندر شعر من اما خوابشان شاد است. (۱/ ۱۰۵ و ۱۰۶)

و در جایی دیگر غروب خورشید را به زیبایی به تصویر می کشد:
قصر بزرگ خورشید/ در ملتقای آب و افق/ آتش گرفته است (۲۲۰/۱)
سنگینی حضور دریا و تصاویر آن و ملازماتش بر ذهن شاعر چنان است که عاشقانه‌هایش را هم با کمک این عناصر بیان می کند:

مثل دریایی تو
انده انگیز و غرور آهنگ
مثل دریای بزرگ بوشهر
که پر از زروق آزاد پریشانگرد است... (۲۱۰/۱)

اولین بار در شعر (من از جنوب) مجموعه‌ی آواز خاک است که لفظ خلیج را به کار می‌برد و در دفتر اولش این لفظ نیامده است:

من از جنوب باغ ساکت خلیج
من از جنوب جنگل بزرگ آفتاب آمدم (۲۷۴/۱)

شاعر هنگام توصیف سخن هم نزدیک ترین و مناسب‌ترین چیزی که در ذهن خود سراغ دارد، دریاست: سخن، اما/ آری، / – گرچه نشنیدندش – / سخنی بود / واژه‌ای / – مثل «دریا» بود/ که هم آمیزه‌ی و رامش / که هم انگیزه‌ی توفان و تلاطم/ که هم افسانه‌ی برکات و بلاها بود (۳۷۹/۱)
تجربه زیستن در خارج از بوشهر و آشنایی‌های بیشتر شاعر با دنیای جدید و پاره‌ای عوامل دیگر موجب می‌شود تا آن رنگ تند محلی که در مجموعه‌های اولش دیده می‌شد، ملایم شود. اما همچنان ذهن شاعر پر است از تصاویر جنوب ولی اکنون بی‌پروا از آنها بهره نمی گیرد و عناصر بومی در سطح زیرین شعر قرار گرفته‌اند. این حالت از دفاتر وصف گل سوری و گندم و گیلاس که در سال ۱۳۷۰ چاپ شدند آغاز می‌شود و در دفترهای بعدی ادامه می یابد. البته در این دفترها هم تصاویر دریایی وجود دارند:
وقتی کنار اسکله پهلو می گیرد / کشتی حضور شکاکی دارد / و آب های بندر / زیر تن عظیمش هق می زند (۴۳۹/۱)
شعر (ترجیع‌بندی برای لنگرگاه همیشگی‌ام: بوشهر) از مجموعه‌ی گندم و گیلاس پُر است از اشارات محلی. در این شعر نوستالژی فراغت از دست رفته به صورت احساس دلتنگی برای زندگی در بوشهر بیان شده است.
اوج اشارات آتشی به خلیج فارس را در نام یکی از دفاتر شعرش می‌بینیم؛ خلیج و خزر. درباره‌ی این نام می توان تفسیرهای مختلفی داشت. یک تفسیر آن می تواند این باشد که خاطره‌ی زن شاعر برایش زنده شده و سیری از جنوب و از سواحل خلیج فارس تا شمال و کناره های دریای خزر داشته است. همسر آتشی گویا به همراه خانواده و به دلیل شغل پدر از شمال به جنوب آمده و در بوشهر اقامت گزیده بود (تمیمی، ۱۳۷۸: ۲۳۳).
تفسیر و تعبیر دیگر این مجموعه می‌تواند در عالم شاعری باشد. آتشی نیما را خیلی دوست داشت و شعرش را می پسندید و او را آغازگر راستین شعر جدید می دانست. نیما اهل شمال بود و آتشی اهل جنوب. اتفاقاً دریا در شعر نیما نیز برجستگی دارد. بنابراین این مجموعه را می‌توان چنین نیز تفسیر کرد.
می خوانم این چکامه‌ی غمگین را /و ز صخره‌های خارا مرغی / رنگین کمان پروازش را / از ساحل خلیج / تا ساحل خزر می‌بندد (۲/ ۱۰۶۶)
و غمگین است از این که به جای آرامش، خلیج طوفانی است و سرخ رنگ. گویا اشاره دارد به جنگ خلیج فارس:
پروای خون کیست / که این چنین خلیج عزادار فارس را / غیرت نما نموده است؟ (۲/ ۱۱۱۷)
شاعر جنوبی ما در دفتر بعدی خود نیز – با نام حادثه در بامداد– به تناسب خلیج و خزر توجه دارد:
اینک ترا / پهلوی «شکل گربه» ی جغرافیای ایران خواهم گذاشت / – پهلوی جسم ایران – / تا بوی که و دشت بگیری / بوی خلیج فارس و دریاچه‌ی بزرگ خزر (۲/ ۱۲۶۷)
در مجموعه‌ی دو جلدی اشعار آتشی ۳۰ بار نام خلیج فارس آمده که البته این غیر از دیگر اشارات او به آن با لفظ «دریا» است.
اما تأثیر محیط خاص جنوب و تجربه‌ی زیستن در آن در شعر آتشی محدود به خلیج فارس نمی‌شود و در سرتاسر اشعار او می‌توان‌آفتاب سوزان جنوب، نخلستان و طبیعت ویژه‌ی آن را دید. نام‌های جغرافیایی مانند: دیر، دیزا شکن و اصطلاحات محلی مانند: بازیار، جاشو و ... به شعر آتشی وارد شده‌اند. همچنین در شعر وی نوای شروه‌های فایز را می‌توان شنید و اصلاً مگر می‌توان دشتستانی بود و فایز را درنظر نداشت.

دلا برخیز!
دلا! چوپان پیر بادها، برخیز
دلا! اشتر چران ابرهای وحشی نازا!
– که غافل می گریزند از فراز چشم‌های خالی چاها
دلا! آواره گردا! «فایز» غربت گریز لول دشتستان!
بیابانی کن آشفته حالان بیابانی!
بیابان زاد شوخ
– اینک خیابان گرد بی‌پروا!
طنین شروه‌های دختران هیمه چین، آنک
ترا می خواند از «گزدان»، دلا ... (۱/ ۳۴۰ و ۳۴۱)

نتیجه گیری

منوچهر آتشی به عنوان یک شاعر جنوبی توجه خاصی به اقلیم جنوب داشت.
الفاظ و اصطلاحات و اسطوره‌های محلی و نام‌های جغرافیایی جنوبی چونان ذخیرهایی در ذهن او همواره حضور داشتند و شاعر هر بار که از این گنجینه‌ی گران بها استفاده می‌کرد. از جمله نشانه‌های ویژه‌ی جنوب در شعر او، خلیج فارس است.
آتشی در مجموع ۳۰ بار و با کلمات: دریای پارس، دریای فارس، خلیج پارس، خلیج فارس و خلیج به آن اشاراتی دارد. البته این غیر از اشارات دیگر او به خلیج فارس با مطلق کلمه‌ی «دریا» ست. آتشی حتی دفتر شعری نیز با عنوان خلیج و خزر منتشر کرده است.
در تمام این موارد آتشی تجربه‌های خاص خودش را از دریا و حالات آن در نظر داشته است. در واقع آتشی با دریا زیسته و این زیستن را به شعر درآورده و دیگر صرفاً آن را همچون شاعران کلاسیک به عنوان عنصری مجرد و غالباً نماد بخشندگی به کار نبرده است.

کتابنامه

آتشی، منوچهر (۱۳۸۶)، مجموعه اشعار، دو جلد، تهران: نگاه، اول.
تمیمی، فرخ (۱۳۷۸)، پلنگ دره‌ی دیز اشکن، زندگی و شعر منوچهر آتشی، تهران: ثالث، اول.
جورکش، شاپور (۱۳۸۳)، بوطیقای شعر نو، تهران: ققنوس، اول.
زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۳)، چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث، اول.
زرین کوب، حمید (۱۳۵۸)، چشم انداز شعر نو فارسی، تهران: توس، اول.
فلکی، محمود (۱۳۷۳)، نگاهی به نیما، تهران: مروارید، اول.
مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۵۰)، مثنوی معنوی، به تصحیح رینولد نیکلسن، تهران: امیرکبیر، اول.
میرعابدینی، حسن (۱۳۸۳)، صد سال داستان نویسی ایران، جلد ۱ و ۲، تهران: چشمه، سوم.

تأمّلی بر شعر «خنجرها، بوسه ها و پیمان ها» از منوچهر آتشی

محسن احمدوندی

«خنجرها، بوسه ها و پیمان ها»
منوچهر آتشی

اسب سفید وحشی
بر آخور ایستاده گرانسر
اندیشناک سینه ی مفلوک دشت هاست
اندوهناک قلعه ی خورشید سوخته است
با سر غرورش، اما دل با دریغ، ریش
عطر قصیل تازه نمی گیردش به خویش

اسب سفید وحشی، سیلاب دره ها،
بسیار از فراز که غلتیده در نشیب
رم داده پرشکوه گوزنان
بسیار در نشیب که بگسسته از فراز
تا رانده پر غرور پلنگان

اسب سفید وحشی با نعل نقره وار
بس قصه ها نوشته به طومار جاده ها
بس دختران ربوده ز درگاه غرفه ها

خورشید بارها به گذرگاه گرم خویش،
از اوج قله، بر کفل او غروب کرد
مهتاب بارها به سراشیب جلگه ها
بر گردن ستبرش پیچید شال زرد

کهسار بارها به سحرگاه پر نسیم
بیدار شد ز هلهله ی سم او ز خواب

اسب سفید وحشی اینک گسسته یال
بر آخور ایستاده غضبناک
سم می زند به خاک
گنجشک های گرسنه از پیش پای او
پرواز می کنند
یاد عنان گسیختگی هاش در قلعه های سوخته
ره باز می کنند

اسب سفید سرکش
بر راکبِ نشسته گشوده است یال خشم
جویایِ عزم گمشده ی اوست
می پرسدش ز ولوله ی صحنه های گرم
می سوزدش به طعنه ی خورشید های شرم

با راکبِ شکسته دل اما نمانده هیچ
نه ترکَش و نه خفتان، شمشیر، مرده است
خنجر شکسته در تن دیوار
عزم سترگ مرد بیابان فسرده است:

«اسب سفید وحشی! مشکن مرا چنین
بر من مگیر خنجر خونین چشم خویش
آتش مزن به ریشه ی خشم سیاه من
بگذار تا بخوابد در خواب سرخ خویش
گرگ غرور گرسنه ی من

اسب سفید وحشی!
دشمن کشیده خنجر مسموم نیشخند
دشمن نهفته کینه به پیمان آشتی
آلوده زهر با شکر بوسه های مهر
دشمن کمان گرفته به پیکان سکه ها

اسب سفید وحشی!
من با چگونه عزمی پرخاشگر شوم
من با کدام مرد در آیم میان گرد
من بر کدام تیغ سپر سایبان کنم
من در کدام میدان جولان دهم تو را

اسب سفید وحشی! شمشیر مرده است
خالی شده است سنگر زین های آهنین
هر دوست کو فشارد دست مرا به مهر
مار فریب دارد پنهان در آستین

اسب سفید وحشی!
در قلعه ها شکفته گل جام های سرخ
بر پنجه ها شکفته گل سکه های سیم
فولاد قلب ها زده زنگار
پیچیده دور بازوی مردان طلسم بیم

اسب سفید وحشی!
در بیشه زار چشمم جویای چیستی؟
آنجا غبار نیست گلی رسته در سراب
آنجا پلنگ نیست زنی خفته در سرشک
آنجا حصار نیست غمی بسته راه خواب

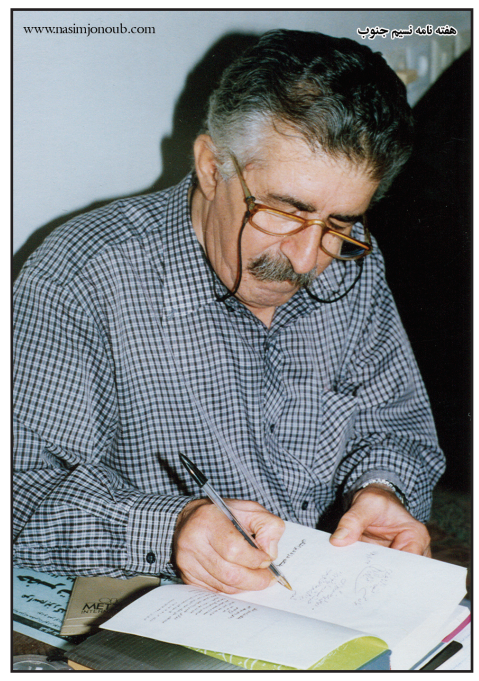
اسب سفید وحشی!
آن تیغ های میوه اشان قلب های گرم
دیگر نرست خواهد از آستین من
آن دختران پیکرشان ماده آهوان
دیگر ندید خواهی بر ترک زین من

اسب سفید وحشی!
خوش باش با قصیل تر خویش
با یاد مادیانی بور و گسسته یال
شیهه بکش، مپیچ ز تشویش

اسب سفید وحشی!
بگذار در طویله ی پندار سرد خویش
سر با بخور گند هوس ها بیاکنم
نیرو نمانده تا که فرو ریزمت به کوه
سینه نمانده تا که خروشی بپا کنم
اسب سفید وحشی!
خوش باش با قصیل تر خویش!»

اسب سفید وحشی اما گسسته یال
اندیشناک قلعه ی مهتابِ سوخته است
گنجشک های گرسنه از گَرد آخورش
پرواز کرده اند
یاد عنان گسیختگی هاش
در قلعه های سوخته ره باز کرده اند

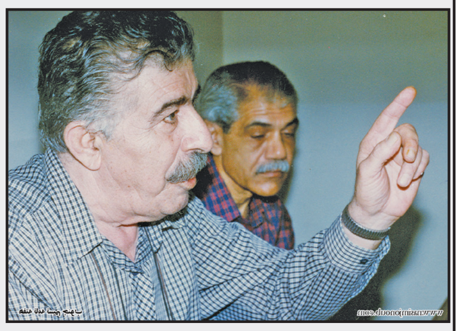
زنده یاد منوچهر آتشی یکی از بزرگان شعر معاصر فارسی است. شعر او در دوره های آغازین شاعری اش، بیشتر متأثر از شاملو بود اما طولی نکشید که توانست راه خویش را بیابد و اشعاری بسراید که خاص خود او باشد و رنگ و بوی سبک شخصی او را داشته باشد. از مشخصه های سبکی شعر آتشی می توان به موارد زیر اشاره کرد: بهره گیری از بیان حماسی؛ کاربرد زبان آرکائیک؛ توجه به مضامین اجتماعی- سیاسی؛ بومی گرایی و به کار بردن مشخصه ها و المان های خطه ی جنوب. یکی از موفّق ترین و ماندگارترین شعرهای منوچهر آتشی، شعر «خنجرها، بوسه ها و پیمان ها» است. این نوشتار تلاشی در جهت واکاوی این شعر است.
این شعر، داستان مبارزان و روشنفکرانی است که روزگاری با تمام توان خود قدم در راه آرمان هایشان نهاده اند؛ ناکامی ها و نامردمی های فراوانی را متحمل شده اند؛ اما هیچ گاه تن به حقارت ها نسپرده اند. این شعر، داستان مردان بلند نظری است که نمی خواهند به قصیل های تر و تازه و مادیان های گسسته یال، دل خوش کنند، بلکه به چیزهایی برتر می اندیشند و آرمانی بس بلندتر دارند.
شعر با خطاب به یک اسب آغاز می شود. سؤالی که در اینجا ممکن است به ذهن مخاطب خطور کند این است که چرا شخصیت اصلی روایت این شعر یک اسب است؟ چرا شاعر حیوان دیگری را برای این روایت شاعرانه برنگزیده است؟ برای روشن شدن این مطلب اجازه می خواهم نیم نگاهی به اسطوره شناسی، روانکاوی و نمادشناسی این حیوان بیندازم.
در اساطیر ایرانی، اسب از جایگاه والایی برخوردار است. برخی اسطوره شناسان این جایگاه را منبعث از توتم بودن این حیوان و پرستش آن در فرهنگ آریایی دانسته اند. حضور واژه ی اسب در اسامی شاهان و پهلوانان اسطوره ای ایرانی از جمله گشتاسب، لهراسب، جاماسب، ارجاسب، بیوراسب، تهماسب و... تأییدی بر این مدعاست، زیرا استفاده از نام حیوان توتم در اسم گذاری اشخاص یکی از مظاهر این آیین کهن بوده است. در روایات مذهبی نیز از اسب هایی نام برده شده است که از نوعی درک و دریافت برخوردار بوده اند و در زندگی شخصیت های مذهبی نقش برجسته ای را ایفا کرده اند، برای نمونه می توان به براق (اسب رسول اکرم (ص))، دلدل (اسب حضرت علی (ع)) و ذوالجناح (اسب امام حسین (ع)) اشاره کرد. همچنین بر طبق برخی روایات شیعی، مهدی موعود در آخرالزمان سوار بر اسبی سفیدرنگ ظهور خواهد کرد. رنگ اسبی هم که در این شعر از آن سخن می رود، سفید است. رنگ سفید هم می تواند نشانگر قداست و پاکی باشد و هم با در نظر گرفتن این دسته از روایات شیعی، خصلت عدالت طلبانه و آزادی خواهانه ی این اسب را به ما یادآوری کند.
از سوی دیگر در روانکاوی یونگ، کهن الگوی قهرمان با اسب رابطه ی نزدیکی دارد. «از منظر روانشناسی تحلیلی، اسب نمادی از بخش تشکیل دهنده ی غریزه ی جانوری روان است که به تعبیر یونگ نماینده ی «روان غیر انسانی» ناخودآگاه انسان و به تعبیری دیگر نماینده ی بخش «مادون انسان» یا «سویه ی جانوری» وجود اوست که از فرافکنی ناخودآگاهانه ی این بخش قدرتمند از وجود قهرمان در موجودی بیرونی صاحب این خویشکاری شده است» (قائمی و یاحقی: ۱۳۸۸: ۱۴). اسب «در حقیقت تجسم قدرت غریزی ناخودآگاه است که کهن الگوی قهرمان با رام کردن آن (مهار غریزه ی خود) مسیر پیکار برای پیروزی و کمال را پشت سر می گذارد» (همان: ۹). جالب اینجاست که در این شعر، سوارکار و یا همان قهرمان بارها این سویه ی جانوری خویش را به تن دادن به نیازهای غریزی ای چون خوردن و جفت یابی دعوت می کند، اما اسب از پذیرفتن این درخواست ها سرباز می زند.
در غالب فرهنگ های بشری «پاره ای از معانی سمبلیک اسب عبارت بوده اند از آزادی، پایداری، پیروزی، سرعت، سرسختی، غرور» (قائمی و یاحقی: ۱۳۸۸: ۱۵). صفاتی چون سرکش و وحشی که در این شعر برای اسب ذکر می شود، بر پایداری و سرسختی اسب دلالت می کند و خصلت نمادین آن را بر ما آشکارتر می سازد.
می بینید که آتشی چه قدر هوشمندانه از ظرفیت اسطوره ای، روانکاوانه و نمادین واژه ی اسب، برای شعرش استفاده کرده است. در ظاهر ما در این



شعر، با دو شخصیت رو به رو هستیم، یکی اسب سفید وحشی و دیگر مردسوارکار که صاحب اسب است؛ اما با تأمّل و دقّت بیشتر، متوجه می شویم که این گونه نیست، بلکه این دو، سویه های متفاوت یک شخصیت هستند. یک سویه از این شخصیت، به مبارزه برای آرمان های متعالی دعوت می کند و با زنده کردن خاطرات گذشته سعی در برانگیختن مبارز را دارد و سویه ای دیگر که به پذیرفتن وضع موجود که سرشار از پستی و حقارت و نامردمی و نامرادی است فرا می خواند. این شعر تضاد و تقابل درونی یک انسان است که بر سر دوراهی قرار گرفته است و می خواهد دست به انتخاب بزند، انتخاب این که به بلندی ها بیندیشد و عزتمندانه بمیرد یا در گنداب ها بلولد و به خواهش های تن پاسخ دهد. تضاد و تقابلی که به پیروزی سویه ی مبارز و آرمانگرای شخصیتِ داستان می انجامد.
در آغاز اسب سفید وحشی بر آخور ایستاده است. او گرانسر است، گرانسر از اندوهی سخت. گرانسر از اندوه سینه ی مفلوک دشت و قلعه ی سوخته ی خورشید (نمادهایی برای جامعه ی شاعر) که امروز پر از زخم و درد و سوختگی هستند. اما این اسب سفید وحشی هنوز هم نشانه هایی از سرکشی ها و سرافرازی هایش را با خود دارد، به همین خاطر است که بوی قصیل تازه توجه او را به خود جلب نمی کند و نمی خواهد که به جای پرداختن به آرمان های بلندش، سرگرم خوردن و تن دادن به نیازهای حقیر شود.
ادامه ی شعر تداعی خاطرات این اسب سرکش است. روزگاری که گوزنان و پلنگان از مقابل او رم می کرده اند و پستی ها و بلندی ها را درمی نوردیده است و هیچ گاه از تپش سیل آسای خود دست برنمی داشته است. یاد ایامی در او زنده می شود که با نعل نقره وارش جاده ها را درمی نوردیده و به همراه سوارش، از دختران زیباروی دل می برده است. یاد زمانی که بر اوج قله ها می زیسته و همنشین خورشید و هم رکاب ماهتاب بوده است.
تا اینجای شعر هر آنچه هست تداعی خاطراتی است باشکوه و پرصلابت. تداعی عصر طلایی ای که پر از تپش و تلاطم بوده و نشانی از سکون و حقارت در آن دیده نمی شده است؛ اما از اینجا به بعد آهنگ شعر افت می کند و از صلابت آن کاسته می شود. اینجاست که اسب سفید وحشی از تداعی خاطرات با شکوهِ گذشته دل می کند و به زمان حال برمی گردد، به اطراف خود نظر می افکند و می بیند که نشانی از آن بزرگی ها و بلندی ها و هم سفر ماه و خورشید بودن ها در او نیست؛ به همین دلیل خشمگین و غضبناک می شود و نشانه های این خشم را در سم ضربه هایش بر خاک می بینیم. اسبی که روزگاری، پلنگان جرأت رویارویی با او را نداشتند، اینک بسته بر آخوری حقیر، آن قدر از عظمت و ارج و شکوه و مهابت او کاسته شده است که گنجشکان بر یال و کوپال او می نشینند و مورد تمسخر هر فرومایه ای قرارگرفته است. او دیگر یک اسب وحشی و سرکش نیست، بلکه اسبی یال گسسته و فرتوت و فرسوده است.
در این جا سویه ی دیگر شخصیت وارد عرصه ی روایت می شود و آن مرد سوارکار است. اسب از وی جویای آن روزهای خوب و سرشار است و از وی دلیل بُریدن و تسلیم شدنش را می پرسد. می پرسد که چرا دیگر نشانی از جنگاوری ها و مبارزه ها در او نیست؟ و با این پرسش ها، سوارکارِ خود را طعنه و کنایه می زند و موجبات شرمسارِی او را رقم می زند. اما سوارکار، از گذشته ی خویش خسته است و دیگر توانی برای مبارزه با ناراستی ها در خود نمی بیند. شمشیرش مرده و خنجرش شکسته است و دیگر آن عزم و اراده ی سترگ و استوار با او نیست. پس ناچار می شود با اسب وارد سخن شود و به طعنه های او پاسخی بدهد. سخنانی که مرد سوارکار بر زبان می راند، بسیار ملتمسانه و دردناک است. او از اسبش می خواهد که کمتر او را تحقیر کند و با نگاه هایش کمتر او را شرمنده نماید. او از اسبش می خواهد تا غرورش را لگدمال نکند. او پیش اسبش، از دشمن می نالد، دشمنی که در لباس دوست ظاهر شده است تا ضربه ای هر چه سنگین تر، بر پیکر او وارد آورد. دشمنی که بوسه های مهرش آغشته به زهر بوده است و به ضرب زر و سیم سعی داشته که مرد سوارکار را از پای درآورد. او می گوید دیگر عزمی برای مبارزه در خود نمی بیند، مرد رهی نیست که همقدم او شود و یاریگرش باشد، تیغی برایش نمانده و میدانی برای جولانش وجود ندارد. زین ها از سواران خالی است، هر دستی که از روی محبت به سوی او یازیده می شود، ماری در آستین پنهان دارد. مرد سوارکار به اسب سفید وحشی می گوید که زمانه عوض شده است. مردان از مبارزه دست کشیده اند و به لهو و لعب روی آورده اند. در دست ها، دیگر نه تیغ و شمشیر بلکه جام شراب است و قلب های زنگار بسته چیزی جز زر و سیم را نمی شناسند و ترسی شوم بر هستی قهرمانان غلبه یافته است. دستی نهانی در کار است که مبارزه و مبارزه جویی را بخشکاند و به زور تهدید و تطمیع، مردان جنگاور و آزاداندیش را از میدان به در کند. سپس سوارکار به خودش برمی گردد و زبونی خود را برای ما تصویر می کند. او از اسبش می پرسد در چشمان او به دنبال چه می گردد؟ در چشم او دیگر غبار سوارکاریِ ها و تاخت و تازهای گذشته نیست، آنچه هست گلی است که در سراب روییده و امیدی است بی بنیاد. در چشم او نشان آن پلنگ خویی ها دیده نمی شود و او نیز به دلیل شکست های پی در پی اجتماعی اش به عشقی رمانتیک روی آورده است، به زنی با چشمان اشک بار پناه جُسته، تا بتواند ادامه ی زندگی تلخش را به سر برد و بر غم های فراوانی که راه خواب را بر چشم او بسته اند غلبه کند. دست او دیگر تیغ را نخواهد دید و آن عشق بازی های حماسی برای او تکرار نخواهد شد. اینجاست که از اسبش می خواهد او نیز دست از بلندپروازی ها و آرمان های متعالی اش بردارد و تسلیم شود. با قصیل های تر و تازه خوش باشد و به مادیانی گسسته یال راضی شود و از گذشته ی یکسر رشادت آمیز و دلاورانه اش دست بردارد. مرد سوارکار از اسبش می خواهد او نیز چون دیگران به خوردن ها و شهوت رانی هایش بپردازد و گذشته ی باشکوهش را به فراموشی بسپارد. او از اسبش می خواهد دست از سرش بردارد تا گوشه ی عافیت را برگزیند و به لولیدن در گنداب ها تن در دهد، زیرا دیگر توانی در تنش نیست. اما اسب سفید وحشی به این سادگی ها تسلیم نمی شود، هنوز در ذهن او فکر و ذکر قلعه ها و قله های بلند هست، هنوز به خورشید می اندیشد و به سینه ی مفلوک دشت. اگر چه ضعیف و گسسته یال شده؛ اما باید کاری بکند. سرشت او برای تسلیم ساخته نشده است. او یک مبارز است و زندگی اش بدون مبارزه، معنا و مفهومی نخواهد داشت.
چنان که مشاهده شد، «خنجرها، بوسه ها و پیمان ها»، شعری است که محصول یک تضاد درونی است. تضاد درونی یک شخصیت که به دوگانگی دچار شده است. ما در این شعر با دو شخصیت رو به رو نیستیم بلکه با یک شخصیت دوگانه رو به روییم. شخصیتی که با دوگانگی در انتخاب مواجه شده و نمی داند کدام راه درست تر است؟ راهی که به عزت منتهی می شود و سراسر خطر است یا راهی که به ذلت منتهی می شود و سراسر راحت و نعمت است؟ سرایش شعر ریشه در این تقابل دارد: تقابل دوگانه ی عزت و ذلت. تقابلی که با پیروزی نه چندان قاطع عزت و سربلندی بر ذلت و سرافکندگی پایان می یابد.

منابع
- آتشی، منوچهر (۱۳۸۳)؛ آهنگ دیگر؛ چاپ چهارم؛ تهران: انتشارات نگاه.
- قائمی، فرزاد و محمد جعفر یاحقی (۱۳۸۸)؛ اسب پرتکرارترین نمادینه ی جانوری در شاهنامه و نقش آن در تکامل کهن الگوی قهرمان؛ فصلنامه ی زبان و ادب فارسی؛ شماره ی ۴۲؛ صص ۲۶- ۹.

اگر قریحه شعری دارید به سراغ شعر بروید



منوچهر آتشی زندگی‌نامه خود را چنین شرح داده‌است:
«دوم مهرماه ۱۳۱۰ در روستایی به نام «دهرود» دشتستان جنوب متولد شدم، خانواده ما جزء عشایر زنگنه کرمانشاه بودند که در حدود ۴ نسل پیش به جنوب مهاجرت کرده بودند.
نام خانوادگی من به دلیل اینکه نام جد من «آتش‌خان زنگنه» بود «آتشی» شد، پدرم فرد باسوادی بود و به دلیل علاقه‌ای که سرگرد اسفندیاری که در جنوب به رضاخان کوچک مشهور بود، پدرم را به بوشهر انتقال داد و پدرم کارمند اداره ثبت و احوال بوشهر شد. در سال ۱۳۱۸ به مکتب‌خانه رفتم در همان سال‌ها قرآن و گلستان سعدی را یاد گرفتم ولی به دلیل شورشی که در آن شهر شد سال دوم را تمام نکرده بودم از کنگان به بوشهر رفتم و در مدرسه فردوسی بوشهر ثبت نام کردم و تا کلاس چهارم در این مدرسه بودم و در تمام این دوران شاگرد اول بودم و کلاس پنجم را به دلیل تغییر محل سکونت در مدرسه گلستان ثبت نام کردم. کلاس ششم را با موفقیت در دبستان گلستان به پایان رساندم، در این سال‌ها بود که هوایی شدم و دلم برای روستا تنگ شد و با مخالفت‌هایی که وجود داشت دست مادر و دو برادر و خواهرم را گرفتم به روستا بازگشتیم و در چاهکوتاه بود که با عشق آشنا شدم و اولین شعرهایم نیز مربوط به همین دوران است.
البته مساله علاقمندی من به شعر و شاعری به دوران کودکی‌ام باز می‌گردد خیلی کوچک بودم که به شعر علاقه‌مند شدم، اما اولین تجربه عشقی در چاهکوتاه اتفاق افتاد او نیز توجهی پاک و ساده دلانه به من داشت، آن دختر خیلی روی من تاثیر گذاشت و در واقع او بود که مرا شاعر کرد. شاعر مجموعه «آواز خاک» در ادامه با بیان این نکته که در آن سال‌ها ترانه‌های زیادی سرودم و به دلیل نرسیدن ما به هم و ازدواج آن دختر با مرد دیگر و سرطانی که بعدها به آن دچار شد ردپایی این عشق در تمام اشعار من به چشم می‌خورد. پس از آن به بوشهر بازگشتم و دوره متوسطه را در دبیرستان سعادت به پایان رساندم, در آن سال‌ها بود که اشعارم را روزنامه‌های دیواری که در این مدرسه درست کرده بودیم منتشر می‌کردم و حتی در این سال‌ها در چند تئاتر نیز نقش‌هایی ایفاء کردم. او در ادامه با بیان این نکته که پس از اتمام دوره دبیرستان به دانشسرای عالی راه پیدا کرده است و به عنوان معلم مشغول به تدریس شده, گفت: در همین سال‌ها اولین شعرهایم را در مجله فردوسی منتشر کردم و این شعرها محصول سرگشتگی در کوه‌ها و دره‌هاست که به صورت ملموس در اشعار من بیان شده‌اند. آشنایی با حزب توده تاثیرات بسیار زیادی بر آثار من گذاشت و شعرهای زیادی برای این حزب با نام‌های مستعار در روزنامه‌های آن روزها منتشر کردم و حتی در ۲۹ مرداد پس از کودتا در ایجاد انگیزه به کارگران برای شورش نقش بسزایی داشتم, ولی با مسائلی که برای حزب به وجود آمد، از این حزب فاصله گرفتم و فعالیت جدی سیاسی من به نوعی پایان یافت. من تاکنون دو بار ازدواج کرده‌ام که هر دو بار که بی‌ثمر بوده‌است، همسر اولم با این که دو فرزند از او داشتم (البته پسرم مانلی به دلیل بیماری که داشت فوت کرد) به دلیل اینکه من حاضر نشدم با او به آمریکا بروم از من جدا شد و دخترم شقایق نیز در حال حاضر در آلمان وکیل است. در سال ۱۳۶۱ ازدواج دیگری داشتم که آن هم به انجام نرسید و یک دختر نیز از این ازدواج دارم.
فعالیت‌ام را با آموزش و پرورش آغاز کردم البته شغل‌های متعددی را تجربه کردم، مدتی با صدا و سیما همکاری داشتم، مسئول شعر مجله تماشا بودم، مشاور ادبی نشریات و انتشارات مختلف بوده‌ام و در حال حاضر نیز در نشریه کارنامه مشغول هستم. من با این سن ام هیچ کتابی نیست که در حوزه فعالیت‌ام ناخوانده مانده باشد، اگر کسانی که به شعر علاقه‌مند هستند و حس می کنند قریحه شعری دارند به سراغ شعر بروند وگرنه به دنبال شعر رفتن کاری عبث و بیهوده است.

نسیم جنوب
۶ اجتماعی
شماره ۸۲۸ یکشنبه ۷ آذر ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی:

آینده بوشهر روشن و تابناک است



معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی گفت: آینده بوشهر روشن و تابناک است.

به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، دکتر علی‌اکبر صالحی در بدو ورود به بوشهر در جمع خبرنگاران اظهار داشت: با موافقت دولت ساخت دو نیروگاه جدید در بوشهر آغاز شده و به زودی قسط اول توسط بانک مرکزی پرداخت خواهد شد.

وی بیان کرد: با پرداخت قسط اول ساخت دو نیروگاه جدید بوشهر، تا پایان امسال شاهد تسریع در اجرای عملیات عمرانی این دو نیروگاه خواهیم بود هر چند تکمیل دو نیروگاه ۱۰ سال زمان خواهد برد.

دکتر صالحی با بیان اینکه مردم بوشهر، مردمانی صبور و مقاومی هستند، خاطرنشان کرد: نیروگاه اول بوشهر سالهاست که کار خود را آغاز کرده و با موافقت دولت دو نیروگاه جدید هم قرارداد بسته شد. رئیس سازمان انرژی اتمی ایران با بیان اینکه به مردم استان بوشهر بابت داشتن یک استاندار پیگیر تبریک می‌گویم، اظهار داشت: استاندار بوشهر با پیگیری‌های خود ما را به خرج انداختند و قرار است دو پروژه بیمارستان اورژانس هسته‌ای و بیمارستان تخصصی قلب در بوشهر توسط سازمان انرژی اتمی ایران احداث شود.

وی افزود: این بیمارستان‌ها بعد از ساخت، نفع آن برای کارمندان نیروگاه هم خواهد بود و منتی بر سر کسی نداریم.

دکتر صالحی گفت: بوشهر به یک بیمارستان جامع نیاز دارد که مدام از خدمات بیمارستانی بهره‌مند شوند و برای درمان به دیگر استان‌ها مراجعه نکنند، آینده بوشهر آینده‌ای روشن و تابناک است.

وزیر بهداشت در سفر به استان بوشهر:

دکتر سالاری، در عرصه سلامت استاندار بی نظیری است

دکتر سید حسن هاشمی با تشریح سفر دو روزه خود به بوشهر با بیان اینکه یکی از سفرهای خوش خاطره برای من سفر به استان بوشهر بود، گفت: در این سفر با دکتر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران تعهد ۴۶۰ تخت بیمارستانی داشتیم آن هم در استانی که کل تخت‌های بیمارستانی آن ۸۰۰ تخت بوده است.

دکتر هاشمی اضافه کرد: البته رئیس دانشگاه علوم پزشکی با حمایت‌های استاندار بوشهر موفق شدند در شرایط سخت مالی ۶۰۰ تخت بیمارستانی را در استان بوشهر اضافه کنند.

در شهرستان عسلویه انتظار داریم وزارت نفت و سازمان تأمین اجتماعی گام بلندی برای کمک به خدمات بهداشتی و درمانی بردارند و وزارت بهداشت هم آنچه در توان دارد انجام می‌دهد.

وزیر بهداشت با بیان اینکه مقرر شده بیمارستان توحید جم تحت پوشش طرح تحول نظام سلامت قرار بگیرد، خاطرنشان کرد: در بیمارستان کنگان، توسعه بیمارستان، تأمین آمبولانس هوایی را با مذاکره با وزارت نفت دنبال خواهیم کرد.

دکتر هاشمی از تکمیل بیمارستان شهر دیر که عملیات اجرایی آن ۲۸ سال پیش شروع شده بود تا پایان امسال خبر داد و گفت: توسعه بیمارستان خورموج، اورژانس با ۴۰ تخت بیمارستانی در این شهر تا دو ماه آینده عملیاتی می‌شود و اولویت مهم در اهرم هم توسعه بیمارستان کنگان است.

وی بیان کرد: در شهر بوشهر هم با تأمین کمک‌هایی که از سوی سازمان انرژی اتمی قرار است صورت بگیرد و حرکت جهادی استاندار بوشهر که توانست زمین مورد نظر را رفع معارض کند شاهد اتفاقات خوبی خواهیم بود. وزیر بهداشت با بیان اینکه در دیلم، توسعه اورژانس و دیالیز در دستور کار قرار می‌دهیم گفت: برای شهر گناوه یک دستگاه MRI خریداری و نصب خواهیم کرد و انتظار داریم یک قطعه زمین در اختیار حوزه سلامت قرار گیرد تا مرکز جامع بهداشتی گناوه در مرکز شهر اجرا شود.

دکتر هاشمی با بیان اینکه یک بیمارستان جدید به جای بیمارستان سوخته شده برازجان احداث خواهد شد، گفت: همچنین ۳ مرکز جامع خدمات سلامت برای شهرهای شبانکاره، ارم و بوشکان احداث خواهیم کرد.

وزیر بهداشت با قدردانی از خدمات و تلاش‌های استاندار بوشهر در حوزه سلامت گفت: دکتر سالاری استاندار بوشهر در عرصه سلامت واقعا استاندار بی نظیری است و مثل ایشان در کشور نداریم و تاکنون همیاری و تعامل خوبی با بخش سلامت داشتند.

وی گفت: کاری که در حوزه بهداشت و درمان استان بوشهر طی دو سه سال اخیر شده کارستان بوده است و اتفاقات خیلی خوبی شاهد بودیم.

گزارش دکتر سالاری استاندار بوشهر از سفر وزیر بهداشت به بوشهر:

پروژه های جدید بیمارستانی، تحولی تاریخی در درمان استان بوشهر



گزارش سفر دو روزه وزیر محترم بهداشت به استان را به مردم شریف استان ارائه می نمایم.

این سفر از قبل، بر اساس برنامه ریزی مشترک با ریاست و مدیران دانشگاه علوم پزشکی، در سه محور برنامه ریزی گردید:

۱. افتتاح طرح های تکمیل شده مجموعاً با ۵۵ میلیارد تومان اعتبار،

۲. شروع عملیات اجرایی ۴ بیمارستان و یک مرکز تحقیقاتی درمان با اعتبار حدود ۴۶۰ میلیارد تومان،

۳. سفر به ۱۰ شهرستان استان و بررسی، برنامه ریزی و تصمیم گیری در خصوص ارتقاء وضعیت بهداشت و درمان شهرستان ها.

به اتفاق آقای باستی، دکتر رئیسی و همکاران، نادری فرماندار و سرکار خانم الماسی و جمعی از نخبگان و مدیران شهرستان عسلویه ساعت ۱۴:۱۰ روز جمعه (۹۵/۸/۲۸) از جناب آقای دکتر هاشمی در فرودگاه عسلویه استقبال کردیم.

شهرستان عسلویه و شهرستان جم

شهرستان عسلویه: در شهرستان عسلویه، مرکز بهداشتی درمانی نخل تقی افتتاح گردید و جناب آقای دکتر هاشمی با پیشنهاد دکتر رئیسی، برای جذب نیروی انسانی (پزشک و سایر عوامل درمان) برای استقلال و ارتقاء شبکه بهداشت و درمان شهرستان عسلویه موافقت و دستور لازم صادر فرمودند.

شهرستان جم: بلافاصله از نخل تقی، عازم جم شدیم. استقبال فرماندار و مدیران شهرستان و سپس بازدید از بیمارستان نفت انجام شد و دکتر هاشمی، سه تصمیم برای بهبود وضعیت درمانی شهرستان، اتخاذ نمودند.

۱) با درخواست استان مبنی بر قراردادن بیمارستان جم تحت پوشش طرح تحول نظام سلامت موافقت کردند تا هزینه درمان مردم جم همانند سایر مردم کشور، توسط وزارت بهداشت تأمین و پرداخت شود و تأمین کادر درمانی بیمارستان تسهیل و ارتقاء یابد.

۲) با پیشنهاد دکتر رئیسی و آقای نوروزی (فرماندار)، مقرر شد یک مرکز جامع سلامت در شهرستان احداث شود.

۳) بخش دیالیز بیمارستان با همکاری نفت، راه اندازی می گردد.

شهرستان کنگان و شهرستان دیر

شهرستان کنگان: دکتر هاشمی در مسیر جم به کنگان، تلفنی دستورات خود را به معاونین ابلاغ کردند. در کنگان، افتتاح بخش های جدید بیمارستان انجام شد. از شروع دولت و با بهره برداری و توسعه بخش های مختلف، ظرفیت بیمارستان از ۴۷ تخت فعال به ۲۰۰ تخت رسیده است.

شروع بکار مرکز MRI نیز که از محل اعتبارات سفر مقام معظم رهبری تأمین اعتبار شده و بیش از یک ماه است به مردم خدمات می دهد، رسمیت یافت. این مرکز به بروزترین سیستم MRI مجهز است.

دکتر هاشمی با جذب پزشک متخصص عمومی و سایر عوامل مورد نیاز، متناسب با توسعه بیمارستان، موافقت کردند.

بعد از اقامه نماز مغرب و عشاء در بیمارستان کنگان، مراسم مختصری برگزار شد. دکتر رئیسی گزارشی از اقدامات دانشگاه علوم پزشکی در توسعه بیمارستان ارائه کردند و نماینده محترم مردم در مجلس شورای اسلامی، فرماندار و امام جمعه محترم نیز سخنان کوتاهی بیان کردند. انصافاً دانشگاه علوم پزشکی استان در توسعه بیمارستان کنگان، اقدامات بسیار بزرگ و درخور تقدیری انجام داده است. دکتر هاشمی نیز طی سخنان کوتاهی به خدمات دولت در حوزه سلامت اشاره کردند.

شهرستان دیر: بلافاصله حدود ساعت ۱۹، به سمت بیمارستان در دست احداث دیر رفتیم که با استقبال امام جمعه و فرماندار و جمعی از مدیران و مردم مواجه شدیم. بخش ساختمانی بیمارستان کامل شده، تأسیسات سرمایشی و گرمایشی خریداری شده و در حال نصب است و محوطه و نصب تأسیسات نیز ظرف ۲ ماه کامل می شود. نیروی انسانی تأمین شده و بخش عمده تجهیزات آن نیز خریداری و به شهرستان دیر ارسال شده است.

دکتر هاشمی اعلام کردند بیمارستان دیر نهایتاً تا پایان سال عملاً و کاملاً به بهره برداری می رسد و ۳۸ تخت بیمارستانی به ظرفیت استان اضافه می شود.

شهرستان دشتی و تنگستان

شهرستان دشتی: بلافاصله عازم دشتی شدیم. ساعت ۲۰:۳۰ به خورموج رسیدیم. استقبال و بازدید از بیمارستان زینبیه انجام شد. مهرجو فرماندار و دکتر شهریاری نماینده، مسایل درمانی شهرستان را مطرح کردند. با دستور وزیر محترم مقرر شد اورژانس بیمارستان که با همت دکتر رئیسی و همکاران در دست احداث است، ظرف ۲ ماه با ظرفیت ۲۲ تخت به بهره برداری برسد. ظرف همین مدت، ظرفیت کلی بیمارستان نیز از ۶۸ تخت به ۱۱۲ تخت می رسد.

تخصیص ۳-۲ تخت NICU و یک دستگاه سی تی اسکن از دیگر تصمیمات دکتر هاشمی برای شهرستان دشتی بود.

همچنین مقرر شد تکمیل بخش ساختمانی کلینیک توسط خیر تسریع شود تا با اعتبار وزارت بهداشت، فوراً تجهیز و کادر درمانی و عمومی آن تأمین و به بهره برداری برسد. دکتر هاشمی بنا به پیشنهاد دکتر رئیسی موافقت کردند در صورت موافقت خیر، برای تسریع در تکمیل ساختمان، اعتباراتی برای تکمیل بخش ساختمانی نیز پرداخت شود.

شهرستان تنگستان: ساعت ۲۲:۳۰، پس از صرف شام در فرمانداری دشتی، عازم اهرم شدیم. از پروژه فاز ۲ بیمارستان اهرم بازدید شد. با بهره برداری از فاز جدید بیمارستان که نهایتاً اردیبهشت ماه صورت می گیرد، ظرفیت بیمارستان از ۱۲ تخت به ۳۸ تخت می رسد که ۴ بلوک (تخت) زایمان (LDR) و راه اندازی ۲ اتاق عمل، در این فاز توسعه دیده شده است.

بنا به دستور دکتر هاشمی، مقرر شد طبقه همکف بیمارستان که معادل کل بخش فعلی و فاز توسعه بیمارستان (معادل ۳۸ تخت) زیربنا دارد و به عنوان پارکینگ استفاده می شود، برای توسعه سنوات آتی بیمارستان طراحی شود. با اجرای این دستور، ظرفیت بیمارستان در سنوات آتی به ۶۸ یا ۷۴ تخت خواهد رسید. ساعت ۲۲:۳۵ با خداحافظی از مسئولین محلی (دکتر شهریاری، فرماندار، امام جمعه محترم و ...) عازم بوشهر شدیم.

پروژه های جدید بیمارستانی، تحولی تاریخی در درمان استان

شهرستان بوشهر: ساعت ۲۳:۱۵ به بوشهر رسیدیم و برای افتتاح کلینیک تخصصی بوشهر عازم آن محل شدیم. این کلینیک که با همت دانشگاه علوم پزشکی با ظرفیت ۲۵ مطب و در ۲۵ تخصص، راه اندازی شده، افتتاح شد. سپس به محل بیمارستان سابق فاطمه زهرا رفتیم و از پروژه درمانگاه تخصصی در دست ساخت (با ظرفیت ۴۵ مطب) و ۲۵ تخصص، بازدید کردیم و ساعت ۳۰ دقیقه بامداد به مهمانسرای استانداری رسیدیم.

صبح ساعت ۷:۳۰ شنبه ۹۵/۸/۲۹ به فرودگاه رفتیم و از دکتر صالحی، ریاست محترم سازمان انرژی اتمی و هیأت همراه استقبال و به اتفاق، به مهمانسرای استانداری آمدیم. پس از صرف صبحانه به اتفاق دکتر هاشمی، دکتر صالحی، همکاران استانداری و دانشگاه علوم پزشکی، به گلزار شهدای بهشت صادق رفتیم و پس از ادای احترام به مقام شامخ شهداء، به محل اجرای پروژه های جدید رفتیم.

مراسم شروع پروژه های جدید ساعت ۹ صبح با حضور دکتر صالحی و دکتر هاشمی، آیت الله صفایی، مهندس باستی، دکتر رئیسی، فرماندار و همکاران و آقایان خدری و سعادت آغاز و عملیات اجرایی ۴ پروژه، همگی در مجاورت بیمارستان شهدای خلیج فارس، عملاً و رسماً شروع شد؛

۱) احداث بیمارستان تخصصی قلب بوشهر با ۲۰۰ تخت خواب ظرفیت که طبق توافق نامه سه جانبه منعقده بین دکتر هاشمی، دکتر صالحی و اینجانب که در تاریخ ۹۴/۵/۱۷ منعقد گردید، احداث آن با اعتبار تخصیصی توسط سازمان انرژی اتمی و هزینه تجهیز و بهره برداری از آن به عهده وزارت بهداشت می باشد.

۲) اورژانس هسته ای و عمومی با ظرفیت ۱۰۱ تخت بیمارستانی که در واقع، بیمارستانی با کارکرد اورژانس می باشد و کارکرد اورژانس هسته ای آن، فقط در طراحی و اضافه کردن برخی تجهیزات است وگرنه یک استفاده عمومی به عنوان بخش اورژانس بیمارستان شهدای خلیج فارس خواهد داشت.

حدود یک سوم هزینه احداث این مرکز برعهده سازمان انرژی اتمی و مابقی هزینه احداث و کل هزینه تجهیز، تأمین نیرو و بهره برداری از آن، برعهده دانشگاه علوم پزشکی استان خواهد بود. مناقصه این پروژه برگزار و پیمانکار انتخاب گردیده است.

۳) بیمارستان ۱۶۰ تخت خوابی: تأمین اعتبار این پروژه از ردیف ملی مربوطه در قانون بودجه عمومی کشور است. مناقصه این پروژه برگزار و پیمانکار آن انتخاب گردیده و وزارت راه و شهرسازی مجری (کارفرما) آن می باشد.

با احداث سه پروژه فوق الذکر، ۴۶۱ تخت بیمارستانی به بیمارستان شهدای خلیج فارس (با ظرفیت فعلی ۲۰۰ تخت) اضافه می شود و با الحاقات و اضافاتی که غالباً به بیمارستان فعلی انجام شده و مقداری هم در دست اقدام است، ظرفیت تخت های بیمارستانی در این نقطه به ۷۰۰ تخت می رسد و استان بوشهر، با تکمیل این پروژه ها، دارای اولین مگابیمارستان می شود و این مگابیمارستان، دارای بسیاری تجهیزات، فوق تخصص ها و خدمات فوق تخصصی خواهد بود که اگر این ۳ پروژه در ۳ نقطه مختلف اجرا می گردید، هیچگاه آن خدمات تخصصی و تجهیزات در استان دایر نمی شد. در این راستا، برای تأمین زمین احداث محل این ۳ بیمارستان در کنار بیمارستان فعلی، با تلاش آقای باستی معاون عمرانی و راه و شهرسازی استان، بسیاری از اراضی که ۶-۵ سال پیش به طرق مختلف واگذار شده بود، مسترد و برای احداث این ۳ بیمارستان به محوطه بیمارستان فعلی اضافه گردیدند.

۴) احداث مرکز تحقیقات بیماری های سرطانی چهارمین پروژه ای بود که اعتبارات آن از محل سفر مقام معظم رهبری است و عملیات اجرایی آن شروع شد.

۵) دکتر هاشمی با درخواست اینجانب و دکتر رئیسی، مبنی بر قرارگیری بیمارستان خارگ تحت پوشش طرح تحول نظام سلامت، موافقت کردند. هزینه درمان و بستری مردم خارگ بدین طریق، از این به بعد، توسط وزارت بهداشت پرداخت می گردد و سطح خدمات بیمارستان نیز ارتقاء می یابد.

در ادامه، از مرکز پزشکی هسته ای دکتر اسدی که در مجاورت محل احداث این ۳ بیمارستان است، بازدید شد. در پایان مراسم، ضمن خداحافظی و تشکر مجدد از دکتر صالحی، به اتفاق دکتر هاشمی و آقایان خدری، سعادت و دکتر رئیسی با هلیکوپتر عازم دیلم شدیم.

شهرستان دیلم و شهرستان گناوه

شهرستان دیلم: ساعت ۱۱:۲۰ به دیلم رسیدیم. پس از استقبال فرماندار، امام جمعه و مسئولین شهرستان، بخش های جدید بیمارستان دیلم (داخلی، جراحی و عمومی) با دستان دکتر هاشمی افتتاح گردیدند.

با این توسعه و توسعه های قبل بیمارستان دیلم، ظرفیت بیمارستان از ۱۸ تخت به ۴۸ تخت رسید. تعداد پزشکان متخصص تخصیص یافته به شهرستان نیز، از ۱ نفر به ۸ نفر رسیده است. این توسعه شامل تخت های ویژه (NICU) نیز می شود. دکتر هاشمی بنا به پیشنهاد و درخواست دکتر رئیسی و فرماندار وامام جمعه محترم، با توسعه اورژانس بیمارستان با ظرفیت ۱۲ تخت جدید، موافقت کردند.

در نمازخانه بیمارستان، نماز جماعت اقامه گردید. بعد از آن، ضمن قدردانی از خیرین (آقایان سلطان زاده و حاج رسولیان)، کلینیک خیرساز دیلم افتتاح شد. تجهیز کامل، تأمین نیروی انسانی و بهره برداری از این کلینیک برعهده دانشگاه علوم پزشکی می باشد.

شهرستان گناوه: از مسئولین و مردم دیلم خداحافظی و رأس ساعت ۱۳:۰۰ عازم گناوه شدیم و پس از استقبال فرماندار، امام جمعه و مسئولان شهرستان پروژه های ذیل در گناوه افتتاح گردید:

۱) افتتاح مرکز سلامت دهان و دندان که در سطح ۱۰ شهرستان استان بصورت همزمان در دست احداث است و اولین آن، در گناوه به بهره برداری رسید و از ۳ دندانپزشک و سایر کادر درمانی و یک کلینیک سیار دندانپزشکی (کامیونت)، برخوردار است.

۲) MRI: با توجه به اخذ موافقت اولیه دکتر رئیسی از وزیر محترم بهداشت (حدود سه ماه پیش) و سپس پیگیری آقای خدری (نماینده محترم)، دکتر هاشمی در گناوه با نصب و راه اندازی MRI در گناوه موافقت قطعی نمودند.

۳) تأمین برخی از تجهیزات تخصصی برای بیمارستان امیرالمؤمنین بنا به درخواست پزشکان آن بیمارستان، مورد موافقت دکتر هاشمی قرار گرفت.



۴) بلوک زایمان امیرالمومنین گناوه شامل ۵ تخت (LDR)، افتتاح شد.

۵) افزایش پزشک متخصص و عمومی طبق ساختار مصوب، مورد موافقت دکتر هاشمی قرار گرفت.

۶) در راستای حل مهمترین مشکل درمانی شهر گناوه، که مستقر بودن بیمارستان در خارج از شهر می باشد، مقرر شد با همت فرمانداری، شهرداری و شورای شهر - پیرو اعلام قبلی اینجانب - قطعه زمین مناسبی برای احداث تاسیسات بهداشت درمانی و حتی بیمارستان - با توجه به اعلام آمادگی خیرین - تخصیص داده شود و هر نوع احداث و توسعه بخش های درمانی، از این تاریخ به بعد، صرفاً در این محل (یعنی محدوده شهر) انجام شود.

این اقدام، قطعاً تحولی اساسی در جهت بهبود و ارتقاء وضعیت درمانی گناوه ایجاد خواهد کرد.

شهرستان دشتستان

شهرستان دشتستان: ساعت ۱۵ از مسئولین گناوه خداحافظی و عازم دشتستان شدیم.

۱. در مسیر، اهالی شبانکاره با نصب پلاکارد از وزیر درخواست توقف داشتند. در حد ۳-۲ دقیقه، دکتر هاشمی با مردم مذاکره داشتند و با احداث یک مرکز جامع سلامت با ظرفیت بستری و اورژانس مجهز (برای اعزام بیمار با کیفیت عالی)، موافقت نمودند.

۲. پس از استقبال فرماندار، امام جمعه و مسئولان محلی، از محل احداث بیمارستان ۲۴۰ تختی برازجان بازدید شد. فرایند اجرایی کار احداث بیمارستان شروع و مناقصه برگزار شده است. کمتر از ۲ ماه دیگر، پیمانکار انتخاب می شود و شروع بکار می کند. با پیشنهاد وزیر محترم کشور، اعتبار اولیه طرح از محل منابع مدیریت بحران به تصویب هیئت دولت رسیده و به استانداری ابلاغ شده است. آقای سعادت نیز پیگیری خوبی داشته اند و از دکتر هاشمی هم درخواست تزریق اعتبارات بعدی را داشتند که استمرار این پیگیری بر سرعت کار مؤثر خواهد بود.

۳. احداث مرکز جامع سلامت (مرکز بهداشتی درمانی با اورژانس و سیستم اعزام مجهز) برای ارم و بوشکان نیز مورد توافق دکتر هاشمی قرار گرفت.

۴. تأمین تجهیزات برای بیمارستان شهید گنجی و ارتقاء مرکز دیالیز برازجان، از دیگر تصمیمات وزیر محترم در سفر به برازجان بود.

جمع بندی سفر

ساعت ۱۷:۲۰ از برازجان عازم بوشهر شدیم. پس از اقامه نماز، جلسه جمع بندی سفر با حضور نمایندگان محترم استان، مسئولین دانشگاه علوم پزشکی استان، اعضای شورای سلامت و چند نفر از شهروندان که دو روز قبل از دکتر رئیسی تقاضای طرح پیشنهادات و انتقاداتی در حوزه درمان را داشتند) برگزار گردید و اهم تصمیمات توسط وزیر محترم اعلام گردید. ساعت ۱۹:۴۰ عازم فرودگاه شدیم.

طبق قرار قبلی، در پاویون فرودگاه، توافقنامه اجرایی برای تقسیم کار و تأمین اعتبار و مراحل اجرایی احداث بیمارستان تخصصی قلب بوشهر (در اجرای تفاهم نامه سه جانبه ای که در تاریخ ۹۴/۵/۱۷ منعقد و تبادل کرده بودیم)، براساس متنی که به موجب مذاکرات چند ساعته مهندس باستی با معاونین دکتر صالحی تهیه شده بود، بین دکتر هاشمی، دکتر صالحی و اینجانب امضا و تبادل گردید.

علی ایحال، با تصمیمات این سفر و تکمیل پروژه هایی که شروع شدند؛

۱) تعداد تخت های بیمارستانی استان که در شروع دولت کمتر از ۹۰۰ تخت بوده و اکنون به بیش از ۱۴۰۰ تخت رسیده، به بیش از ۲۱۰۰ تخت می رسد.

۲) بیمارستان شهدای خلیج فارس به مگابیمارستانی به ظرفیت ۷۰۰ تخت ارتقاء می یابد.

۳) تعداد MRI های مستقر در استان که ۲ دستگاه بوده، اکنون به ۴ دستگاه رسیده، با استقرار MRI در گناوه، به ۵ دستگاه می رسد.

۴) عملیات احداث اولین بیمارستان تخصصی دندانپزشکی کشور، در بوشهر شروع می شود.

۵) کامیونت های سیار دندانپزشکی، با اعتبار جاری ۳/۷ میلیارد تومان (برای تأمین دندانپزشک و مواد مصرفی امسال)، در روستاها و شهرها به خدمات رایگان دندانپزشکی می پردازند.

در حال حاضر با ۱۲ مرکز سلامت دهان و دندان و ۱۰ کلینیک سیار و ۶۲ واحد دندانپزشکی در سطح ۱۰ شهرستان استان، خدمات رایگان دندانپزشکی در سطح کل روستاها و محلات شهرهای استان (در مرحله اول مدارس و مهدکودک ها) ارائه می گردد.

دکتر هاشمی، برای تکمیل زنجیزه دندانپزشکی استان که در کشور بی نظیر بوده و موجب تحسین و حمایت ایشان گردیده است، با احداث اولین بیمارستان تخصصی دندانپزشکی کشور در مرکز استان برای مدیریت و راهبری متمرکز و تخصصی ۱۲ مرکز و ۱۰ کلینیک سیار و ۶۳ واحد دندانپزشکی مذکور، موافقت و دستورات لازم را صادر نمود.

۶) غالب شهرستان های استان، دارای خدمات دیالیز گردیده اند و مابقی نیز، در اجرای تصمیمات این سفر، برخوردار می شوند.

۷) مراکز جامع سلامت، مراکز بهداشتی درمانی و خانه های بهداشت مورد نیاز، همگی در کلیه شهرها و روستاهای مشمول استان، در دست اجرا یا اقدام هستند، ظرف ۲۴ ماه تکمیل می گردند.

رونمایی از تفاهم نامه احداث زیرساخت های بهداشتی استان؛ این تفاهم نامه با پیگیری دانشگاه علوم پزشکی و سازمان برنامه و بودجه استان، مابین وزارت بهداشت و استانداری بوشهر منعقد و تبادل گردیده است و در اجرای آن، پوشش مراکز جامع سلامت، مرکز بهداشتی درمانی و خانه های بهداشت در سطح کلیه شهرستان های ۱۰ گانه استان طبق استاندارد، احداث، بازسازی، نوسازی و تجهیز می گردند. در این راستا ۱۸۰ مرکز جامع سلامت، با اعتباری بالغ بر ۸۰ میلیارد تومان در قالب برنامه ای ۲ ساله، در سطح استان در دست احداث و اقدام است.

۸) در اجرای دستور وزیر، کادر پزشکی و پرستاری مورد نیاز کلیه شهرستان های استان متناسب با تخت های اضافه شده به بیمارستان ها، تأمین می گردد.

۹) تخت های ویژه (ICU, NICU، CCU) استان، به میانگین کشوری رسیده است و در اجرای تصمیمات، افزایش می یابد.

۱۰) از محل ۳۰ درصد سهمیه استان ها، از میان پزشکی های عمومی بومی استان، سهمیه پذیرش بومی اختصاص یافته و تربیت متخصص، در حال تأمین است.

علی ایحال، با گام های آقای دکتر هاشمی برای استان، مشارکت و حمایت ارزشمند دکتر صالحی، همت و پیگیری مسئولین دانشگاه علوم پزشکی استان و ان شاءالله حمایت نمایندگان محترم، بهبود سریع و اساسی زیرساخت ها و تأمین نیروی تخصصی درمان و ارتقاء تجهیزات درمانی استان، شروع شده است. ۲ سال گذشته، کارهای بزرگی در حوزه درمان انجام شده ولی تا حصول نتیجه نهایی و رسیدن به جایگاه شایسته، بایستی با جدیت ادامه دهیم.

در پایان از وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، همکاران آنان، دانشگاه علوم پزشکی، نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و همکاران خودم، خیرین حوزه سلامت و اصحاب رسانه و همه کسانی که دل در گرو خدمت به مردم و تعالی استان دارند، صمیمانه سپاسگزاری می کنم.

سربلند باشید

در قبال حقوق قانونی فرزندانمان در نظام آموزشی این کشور مسئولیم

نقدی در رابطه با نوع تنبیه و رفتار با دانش آموز در نظام آموزشی ایران

امید سعیدی



- بابا! مگه نگفته بودی که کتاب مقدس است؟
- بله پسرم، کتاب منبع آموزشی ماست و ما همه چیزمان را مدیون کتاب ها و نویسنده هایی هستیم که این کتاب ها را نوشته اند.
- پس چرا معلم ما کتاب به سمت ما پرتاب می کند؟

اینجا بود که من جوابی نداشتم برای سوال پسرم، فرزندی که از بچگی با این تفکر بزرگ شده است که به کتاب احترام بگذارد، در برهه ای از زندگی اش با تناقض حرف های من با واقعیت جامعه روبرو شده بود و این تناقض باعث شده بود که پسرم از مدرسه دلخور باشد و حتی به من بگوید که دیگر به مدرسه نمی روم، زیرا معلم علاوه بر این کار، در بعضی از اوقات با کلمات ناشایستی ما را خطاب قرار می دهد.

من به عنوان یک پدر خودم را مسئول می دانستم و با خود اندیشیدم که باید راهی پیدا کنم که این معلم را نسبت به عمل ناشایست خود آگاه کنم. این بود که از سایت های مختلف شروع به جمع آوری اطلاعات در زمینه های آموزشی و پرورشی در ایران و کشورهای مختلف کردم. سعی کردم چند مقاله علمی در زمینه برخورد معلم با دانش آموز پیدا کنم. سایت ها و وبلاگ های معلم های مختلف را تا جایی که وقت و انرژی اش را داشتم بررسی کردم. به نتایج خوبی دست پیدا کردم که آنها را نیز با معلم پسرم در میان گذاشتم.

در سایت وزارت آموزش و پرورش مصاحبه ای با وزیر محترم آموزش و پرورش (فخر الدین احمدی دانش آشتیانی) قرار گرفته است که گزیده ی کوتاهی از آن را برای شما می نویسم:

"وی با اشاره به اینکه ضعف نظام آموزش و پرورش ضعف تک گویی است و سخن راندن به جای سخن شنیدن است؛ افزود: این شعار نیست بلکه معتقدم باید در آموزش و پرورش، فضای گفت و گو باز شود و مسائل را با بحث و گفت و گو حل کنیم، البته نه فقط با مسئولان بلکه با خانواده ها، معلمان و دانش آموزان باید این کار صورت گیرد."

احمدی دانش آشتیانی تصریح کرد: "معتقدم مدرسه کانون نشاط، پویایی و تحرک است و دانش آموز باید احساس زندگی کردن در مدرسه داشته باشد و اگر بتوانیم مدرسه را محل زندگی دانش آموز قرار دهیم، به طوری که آنها احساس آرامش کنند درس خواندن جزئی از علائق آنها می شود و دیگر حالت رسمی و اجباری پیدا نخواهد کرد."

این سخنان را که مطالعه کردم سعی نمودم که این شرایط ایده آل را به مدرسه پسرم بسط بدهم و به مقایسه بپردازم، هر چند وزیر محترم آموزش و پرورش با بیان این نکات جالب به گونه ای معلمان و مدارس را به این شکل از آموزش ترغیب نموده است، اما همین سخنان نشان می دهد که چنین شرایطی در سیستم آموزشی ما وجود ندارد و به همین علت است که وزیر این سخنان را بیان نمودند. تمام کسانی که فرزندی دانش آموز دارند مسلما به این قضیه واقف هستند که مدارس ما و سیستم آموزشی ما برای رسیدن به شرایط ایده آل راه بس درازی را در پیش دارد.

نگارنده در اولین روبرویی با معلم فرزندم که دست بر قضا معلم نمونه نیز شده بودند، این نوع رفتار ایشان را نقد نمودم، اما با این جمله تکراری مواجه شدم که اگر از سیستم تدریس من راضی نیستید می توانید معلم پسرتان را عوض کنید. اینجا بود که برآشفتم و گفتم من آمده ام که این شرایط غلط را اصلاح کنم و حق دارم که در زمینه رفتار معلم با پسرم نظر بدهم، من هیچ گونه دخالتی در سبک تدریس شما ندارم، هر چند خودم نیز رشته تحصیلی ام آموزش زبان بوده است و با متدهای آموزشی آشنایی دارم.

به ایشان گفتم که من از شما توقع کار خاصی را ندارم بلکه می خواهم طبق ضوابط همین سیستم معیوب آموزش و پرورش با فرزندان ما رفتار بشود، فرزند من یک انسان است و باید مانند یک انسان مورد احترام قرار بگیرد و طبق مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش و در فصل ششم تحت عنوان مقررات انضباطی دانش آموزان و در بند سوم و ماده های ۷۴ تا ۸۱ تنبیه، کاملا مشخص و مبرهن بیان شده است و چیزی فراتر از این ضوابط مسلما پذیرفته شده نیست.

بهرحال هر چند ایشان کمی ناراحت شدند اما پاره ای از رفتارهای غلط خود را پذیرفتند و همین پذیرفتن اولین راه رسیدن به اصلاح یک روند غلط است.

برای آشنایی خوانندگان این مقاله قسمت هایی از این مصوبات را ذکر می کنم تا پدر و مادرهای عزیز نسبت به حقوق فرزند خود هر چه بیشتر آگاه باشند:

ماده ۷۵: تنبیه باید توجه دانش آموز را به اشتباه خود جلب و زمینه مناسب را برای ایجاد رفتار مطلوب در وی فراهم نماید، لذا اعمال تنبیه باید متکی به یافته های علمی و استفاده از الگوهای مناسب تغییر رفتار باشد تا موجب تجری دانش آموز و اصرار وی بر تکرار اشتباه نشود.

کدام روش تنبیهی مدارس ما با یافته های علمی و الگوهای رفتار مطابقت دارد؟ کدام روش های خلاقانه تنبیه در مدارس ما باعث عدم تکرار رفتار غلط دانش آموز شده است و یا می شود؟

ماده ۷۶: دانش آموز متخلفی که راهنمایی ها و چاره جویی های تربیتی در آنها مفید و موثر نمی افتد، با رعایت تناسب به یکی از روش های زیر مورد تنبیه قرار گیرند:

۱- تذکر و اخطار شفاهی به طور خصوصی.
۲- تذکر و اخطار شفاهی در حضور دانش آموزان کلاس مربوط.
۳- تغییر کلاس در صورت وجود کلاس های متعدد در یک پایه با اطلاع ولی دانش آموز.
۴- اخطار کتبی و اطلاع به ولی دانش آموز.
۵- اخراج موقت از مدرسه با اطلاع قبلی ولی دانش آموز ، حداکثر برای مدت سه روز.
۶- انتقال به مدرسه دیگر.

و جالب ترین قسمت را می توان در ماده ۷۷ نظاره کرد : ماده ۷۷- اعمال هر گونه تنبیه از قبیل اهانت، تنبیه بدنی و تعیین تکالیف درسی جهت تنبیه ممنوع است و در اعمال تنبیهات نباید بین دانش آموزان تبعیض و استثنایی قائل شد.

این ها همه قسمت های کوتاهی از ضوابط تنبیهی در مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش است که باید در صورت بروز رفتاری خطا، اعمال شود، حال سوال نگارنده این است که چقدر مسئولان مدارس ما با این ضوابط مصوب خودشان با بچه های ما رفتار می کنند؟

من به مدیر مدرسه فرزندم نیز گفتم که چون این سیستم آموزشی دچار اضمحلال و فرسایش است من توقع زیادی از شماها ندارم و هیچ وقت هم نسبت به تکالیف بچه ها نقدی ندارم، من فرزندم را به مدرسه می فرستم که زندگی کردن یاد بگیرد نه ترس و وحشت از روبرو شدن با جامعه، و نمی خواهم فرزندم مانند نسل ما نسلی شود که از معلم ها متنفر بود و هیچ خاطره خوبی از دوران مدرسه در ذهن ندارد، بلکه می خواهم پسرم همیشه با افتخار از معلمش یاد کند.

البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که معلمان این خطه تلاش بسیار می کنند تا دانش آموزان را آموزش دهند و گاهی باید پای حرف ها و درد دلهای آنها نیز نشست زیرا آنها نیز به خودی خود مقصر نیستند، بلکه نظام آموزشی ما حتی با معلمان نیز برخوردی مناسب ندارد و به نظر می رسد که توانایی پرورش نیروی انسانی خوب را ندارد. نیروی انسانی آموزش و پرورش ما نیاز به، به روز شدن در دنیایی دارند که هر روز نظریات علمی تازه ای در زمینه آموزش مطرح می شود. آخر چگونه معلمانی که خود دلهایی پر از درد و رنج ناشی از عدم توجه مالی و معنوی کافی توسط آموزش و پرورش دارند می توانند دانش آموزانی تربیت کنند که آینده این مرز و بوم را بیمه نمایند. نبودن فضای آموزشی کافی، عدم تجهیز کلاس ها به امکانات مدرن، عدم داشتن سیستم های گرمایشی و سرمایشی در خیلی از مدارس، بروکراسی عجیب و غریب که همه ادارات ایران را اسیر خود کرده است، همه از مشکلاتی است که مسلما ذهن و اعصابی فولادین نیاز دارد که بر معلمان عزیز این مرز و بوم اثر بدی نگذارد.

به نظر نگارنده هر چند نظام آموزش و پرورشی ما دچار ضعف های بسیاری است اما این وظیفه همه ما پدر و مادرهاست که با مطالعه بیشتر، کمی نسبت به حقوق بچه هایمان آگاه تر شویم و اجازه ندهیم بچه های ما دچار ترس و دلزدگی از زندگی شوند. در نظر داشته باشید که هر کودکی به خودی خود نخبه است اما وقتی در سیستمی معیوب قرار می گیرد تبدیل به ضد جامعه و یا فردی منزوی از جامعه می شود. معلم باید مانند یک پدر و یا مادر با دانش آموز برخورد داشته باشد چرا که همین بچه ها هستند که آینده این کشور را می سازند. اولین گام در راه ساختن جامعه ای پیشرفته و مدرن، داشتن نظام آموزشی متناسب با یافته های علمی جدید است.

نگارنده در پایان امیدوار است که روزی نظام آموزشی ما به درجه ای از اهمیت برسد که به عنوان یکی از بهترین نظام های آموزشی مورد الگوبرداری کشورهای دیگر قرار بگیرد. هر چند رسیدن به چنین آرزویی کمی سخت و بعید است اما مسلما غیر ممکن نیست.

ظرافت های کاربرد تشویق و تنبیه در مدارس

بررسی نحوه برخورد با دانش آموزان در مدارس

فریبا عارف نیا

راهبردهای تشویق و تنبیه:

چهار راهبرد اصلی برای تغییر رفتار از طریق تشویق و تنبیه وجود دارد که به شرح زیر پیش بینی شده است .

۱) تقویت مثبت: به معنی تشویق یک فرد به خاطر انجام رفتار قابل قبول و پسندیده است. در حقیقت تقویت مثبت یعنی ارائه یک پاداش جالب توجه به یک فرد به دنبال انجام یک رفتار مطلوب تعریف می شود. اگر دانش آموزی به یک فرد نابینا در گذشتن از یک خیابان کمک کرده باشد و ما بلافاصله در سر صف از او ستایش به عمل آورده و یا جایزه ای از این بابت به او بدهیم رفتار او را به طور مثبت تقویت می کنیم و بدین وسیله احتمال تکرار این عمل را در او تقویت خواهیم کرد.

۲) تقویت منفی (یادگیری اجتنابی): یادگیری اجتنابی یا تقویت منفی یعنی اجتناب از اعمال تنبیه نسبت به کسی که از انجام کار نامطلوبی دست برمی دارد. به عنوان مثال: دانش آموزی معمولا تکالیف خود را خوب انجام نمی داده است و هر روز مورد توبیخ قرار می گرفته و از نمره اش کم می شده است. امروز دانش آموز تکلیفش را انجام داده است در مقابل انجام وظیفه معلم برخلاف روزهای دیگر او را سرزنش نمی کند و نمره اش را کاهش نمی دهد این اجتناب از اعمال تنبیه، تقویت منفی نام دارد.

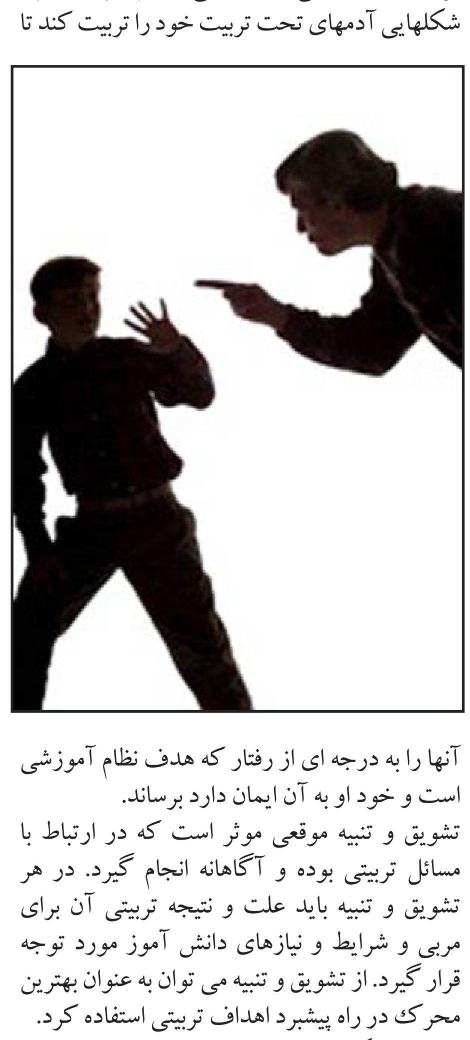
۳) خاموشی: اگر رفتاری را که با تقویت مثبت افزایش یافته برای مدتی تقویت نکنیم به تدریج از نیرومندی آن کاسته می شود و سرانجام به کلی متوقف می گردد به این فرایند خاموشی رفتار گویند یا به تعبیری دیگر از خاموشی به عنوان کاهش یا از بین بردن رفتار نامطلوب به علت استفاده نکردن از تقویت مثبت تعریف شده است.

گاهی اوقات یک دانش آموز برای آنکه مورد توجه قرار گیرد دست به اذیتها، شیطنت ها و شیرین کاریهایی می زند که سبب اختلال در نظم کلاس و یا الگوبرداری غلط توسط دانش آموزان دیگر می شود. بعضی از معلمین یا مدیران از کار چنین دانش آموزی به شدت عصبانی می شوند و از روش تنبیه استفاده می کنند. در حالی که هدف دانش آموز همین کسب توجه از طریق کارهای نامطلوب بوده است. اما در مقابل عده ای از مدیران و معلمین مدبرانه برخورد می کنند و اصولا به موضوع اعتنایی نمی کنند در نتیجه مشاهده می شود که دانش آموز دست از این کار خود برمی دارد. در حقیقت این مدیران با استفاده از راهبرد خاموشی، رفتار فرد را در یک مورد ناخواسته تضعیف کرده اند.

۲) تنبیه: هرگاه دانش آموزی رفتارهای نامطلوب از خود بروز دهد که سبب آسیب رساندن، ضرر رساندن و بی نظمی مدرسه شود ممکن است با رعایت همه جوانب امر او را مورد تنبیه قرار داد پس جزای ناموفق یا ناخوشایندی که در نتیجه رفتار نامطلوب فرد به کار گرفته می شود، تنبیه نامیده می شود.

ظرافتهای کاربرد تشویق و تنبیه در مدارس

مدیر یا معلم آگاه و مومن به فلسفه و مبانی تعلیم و تربیت، با تخصصی که دارد می داند چگونه و به چه شکلهایی آدمهای تحت تربیت خود را تربیت کند تا



آنها را به درجه ای از رفتار که هدف نظام آموزشی است و خود او به آن ایمان دارد برساند.

تشویق و تنبیه موقعی موثر است که در ارتباط با مسائل تربیتی بوده و آگاهانه انجام گیرد. در هر تشویق و تنبیه باید علت و نتیجه تربیتی آن برای مربی و شرایط و نیازهای دانش آموز مورد توجه قرار گیرد. از تشویق و تنبیه می توان به عنوان بهترین محرک در راه پیشبرد اهداف تربیتی استفاده کرد.

تشویق، شکل ها و کاربردهای فراوانی در مدرسه دارد. یک لبخند، یک تبریک، یک تشکر و یک هدیه کوچک و خیلی چیزهای دیگر می تواند محرک مناسبی برای بسیاری از دانش آموزان باشد.

در هر تنبیهی معلم یا مدیر باید بداند که برای چه تنبیه می کند و چه نتایج و اثراتی روی دانش آموزان دارد. دانش آموز نیز باید بداند به خاطر چه رفتاری تنبیه می شود. البته باید دانست که تنبیه فقط جلوی انجام عمل ناخواسته را به طور موقت می گیرد. برای آنکه رفتار دانش آموز تغییر کند، باید همراه با تنبیه، رفتار درست را نیز به او نشان داد.

پیامدهای زیانبار تنبیه:

تنبیه یک ابزار تربیتی ناخوشایند است که در مواقعی به ناچار مورد استفاده قرار می گیرد.

در مورد مضرات تنبیه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بچه ها دروغگو می شوند.
- افسردگی و بیماری های عصبی به وجود می آورد.
- سبب ترس می شود.
- افراد ریاکار و حیله گر می شوند.
- افراد کند ذهن می شوند و خلاقیت خود را از دست می دهند.
- اعتماد به نفس بچه ها کم می شود.
- احترام و اعتماد بچه ها نسبت به بزرگترها کم می شود.

باید دانست که تنبیه حربه اولیه ای است که ممکن است در جایی مناسب و در جایی نامناسب و زیان آور باشد. به هر حال از تنبیه نباید به عنوان اولین وسیله استفاده کرد ولی اگر مجبور به استفاده از آن شویم باید به صورت موقت از آن استفاده کنیم تا به روش بهتر و مناسب تر دسترسی پیدا کنیم و تشویق علاوه بر آنکه سبب افزایش میل به کار، رضایت خاطر و تقویت روحیه افراد می شود، وسیله ای برای شکل گیری و بهسازی شخصیت آنها نیز به حساب می آید.

تشویق می تواند بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی افراد را برطرف کند. علاوه بر اینها تشویق وسیله مناسبی برای به وجود آوردن نگرش مثبت، دوست داشتن متقابل، قدردانی و ارزش دادن به انسانهاست، پاداش و تشویق مطمئن ترین و اساسی ترین ابزار انگیزش همه انسانها منجمله دانش آموزان و معلمان می باشد که کاربرد آن باید در صدر همه فعالیتهای مدیران قرار گیرد.

منابع:
۱- علی اکبر سیف، روانشناسی تربیتی (روانشناسی آموزش و یادگیری)
۲- سیداحمد زرهانی، عزیزالله تاجیک اسماعیلی، نگاهی به نقش تربیتی خانه و مدرسه، پاییز ۱۳۷۳
۳- سید محمد میرکمالی، روابط انسانی در آموزشگاه، نشر سیطرون فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۱۰ تابستان ۱۳۷۳
۴- علی اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتار درمانی، نظریه و روشها، تهران نشر دانا
۵- عبدالله مجوزی، چرا تنبیه، تهران، انتشارات اولیاء و مربیان ۱۳۷۲
۶- بیژن هوشنگی، ماهنامه پرورشی تربیت، شماره ۳ آذر ۷۸

کتاب راهبرد شوراهای دانش آموزی مدارس در استان بوشهر رونمایی شد



کتاب "راهبردهای شوراهای دانش آموزی مدارس" در حاشیه گردهمایی سالانه معاونان پرورشی و تربیت بدنی استان بوشهر رونمایی شد.

به گزارش ایرنا، به نقل از روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر، کتاب "راهبردهای شوراهای دانش آموزی مدارس" توسط نادر حسین پناهی، معاون پرورشی و تربیت بدنی مدارس شهرستان دیواندره استان کردستان و محمود حق دوست، رئیس اداره امور تربیتی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر تهیه و تدوین شده و با حمایت معاونت پرورشی و فرهنگی استان بوشهر در ۱۴۵ صفحه از سوی انتشارات موسسه فرهنگی منادی تربیت به چاپ رسیده است.

در این کتاب که به عنوان راهنمای عمل فعالیت شوراهای دانش آموزی مدارس مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برای استفاده مدیران، معاونان و مربیان پرورشی مدرسه ها تهیه شده است، به مواد قانونی تشکیل شوراهای دانش آموزی، دستورالعمل شورای مدرسه، شیوه نامه اجرایی شوراهای دانش آموزی، تعریف، اهمیت و اهداف شورا، اصول و خط مشی های اجرایی، برگزاری انتخابات، شرایط داوطلبان عضویت، شرح وظایف و اهداف انجمن های تحت پوشش این شورا اشاره شده است.

همچنین در کتاب یاد شده فرم های مورد نیاز شوراهای دانش آموزی مدارس، صورت جلسه ها، نمونه ابلاغ ها، سوگندنامه شوراها، جدول زمان بندی جلسات، تقویم برنامه اجرایی یکساله، جدول ارزشیابی و ارزیابی فعالیتها، شیوه نامه طرح یک روز برای فردا، نمونه لوح تقدیر عوامل اجرایی و اعضای فعال شوراها و نمونه احکام انتصاب رؤسای شوراها مجامع دانش آموزی و ده ها مطلب مورد نیاز شوراهای مدارس، گنجانده شده است. در پایان این کتاب نیز سایت های مورد نیاز معاونان و مربیان پرورشی مدارس و مطالب ادبی مرتبط با شوراهای دانش آموزی آورده شده است. کتاب راهبردهای شوراهای دانش آموزی مدارس در شمارگان هزارنسخه و به بهای ۹۰ هزار ریال چاپ شده است.

راهکارهایی مفید پیرامون پیشرفت دانش آموزان

فرزانه روزدار

۱- طرح مطالب درسی به صورت پرسش های جالب: مطلب یا موضوعی را که می خواهیم کودک و نوجوان یاد بگیرد، به صورت پرسش یا پرسش هایی روشن و جالب که آنها را به فعالیت ذهنی و پویندگی ترغیب نماید، مطرح کنیم. باید تلاش نمود تا در دانش آموزان احساس نیاز به وجود آید.

۲- دانش آموزان در اثر شکست در درسی نسبت به آن نگرش منفی پیدا می کنند باید به آنها کمک کرد تا با کسب موفقیت در درس جدید، به تصویری مثبت از توانایی خود دست یابند زیرا یادگیری همراه با موفقیت به ایجاد انگیزه منجر می شود.

۳- تجربه و تماس مستقیم با مطالب درسی: سعی نمایید تا دانش آموزان آنچه را که می خواهند یاد بگیرند با آن تماس پیدا نموده و تجربه مستقیم و عملی داشته باشند.

۴- اهداف آموزشی مورد انتظار از دانش آموزان را در آغاز درس برای آنها بازگو نمایید. اهداف باید روشن و متناسب با توانایی دانش آموزان باشد.

۵- اجرای نقش: بهتر است در زمینه برخی از موضوعات از جمله تاریخ، ادبیات، دینی و... دانش آموزان را تشویق نماییم تا موضوع مورد نظر را به صورت نمایش درآورند. اجرای نمایش در تفهیم مسائل تربیتی و اخلاقی بسیار مفید و مؤثر می باشد.

۶- در شرایط مقتضی و مناسب از تشویق های کلامی استفاده کنید. مثلا" خوب، آفرین، مرحبا و...

۷- باید شرایطی فراهم شود تا دانش آموز موفقیت خود را احساس کند زیرا هیچ چیز همانند خود موفقیت به موفقیت کمک نمی کند.

۸- تکالیف ارائه شده نه باید بسیار مشکل باشد و نه ساده، از ارائه تکالیف یکنواخت باید پرهیز کرد و به عبارتی تکالیف باید خاصیت برانگیختگی داشته باشند.

۹- مشخص کردن نحوه انجام کار برای یادگیرنده: کاری را که دانش آموز قرار است انجام دهد باید دقیقا" مشخص شود.

۱۰- تبادل نظر با دانش آموزان درباره مشکلات درسی و شرکت دادن آنها در طرح نقشه های کار و فعالیت.

۱۱- استفاده از نمرات و آزمون ها برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان.

۱۲- علاقه مندی یاددهنده به موضوع: در بسیاری از مواقع مشاهده می کنیم که بی علاقه بودن یادگیرندگان به موضوعی خاص ناشی از علاقه مند نبودن والدین و مربیان آنهاست. معلمی که در زنگ انشاء، ورقه های ریاضی را تصحیح می کند یا در ساعت ورزش به بافندگی مشغول می شود، عملا" به یادگیرندگان می گوید که برای این فعالیت ارزش قائل نیست.

۱۳- مطالب آموزشی را باید از ساده به دشوار ارائه کرد. می توان با فعال سازی دانش آموز به هنگام تدریس در او ایجاد انگیزه نمود.

۱۴- به وضع جسمانی دانش آموزان و وضع ظاهری کلاس باید توجه نمود. کلاس درس را باید از نظر ظاهری و روانی تبدیل به محیطی امن و آرام نمود.

۱۵- از مقایسه نمودن دانش آموزان با یکدیگر خودداری نمایید.

۱۶- قدردانی از کار دانش آموز او را به کوشش و تلاش بیشتر و دلبستگی به درس وادار خواهد نمود.

۱۷- برقراری ارتباط بین مطالب درسی با واقعیات زندگی در ایجاد انگیزه مؤثر می باشد.

۱۸- بلافاصله دانش آموز را از میزان پیشرفت در کارش مطلع نمایید. آگاهی از نتیجه کار در هر مرحله از آموزش، دانش آموز را از عملکرد خود آگاه نموده و باعث می شود تا به تقویت نقاط مثبت و اصلاح نقاط ضعف و منفی خود بپردازد.

۱۹- استفاده از علائق یادگیرنده: مربیان و والدین می‌توانند با شناسایی علائق دانش آموز از آن استفاده مطلوب نمایند.

۲۰-مقابله با بازدارنده های عاطفی و هیجانی که موجب دلسردی و کاهش علاقه دانش آموز به درس و تحصیل می شود. مثلا" معلمی ممکن است از دانش آموز توقع زیاد داشته باشد و یا پس از ورود به کلاس به هیچ دانش آموزی اجازه ورود ندهد و یا تکالیف سنگین تعیین کند، زیاد درس بدهد، سخت نمره دهد و گاهی تبعیض روا دارد.

۲۱-انگیزش از راه سرمشق گیری: معلم در این شیوه از شخصیتی خاص تمجید و تجلیل نموده و او را یک نمونه و سرمشق ارزشمند و قابل احترام معرفی می کند و دانش آموزان نیز از طریق همانندسازی با آن به درس و مدرسه علاقه مند می شوند.

۲۲- تحریک حس کنجکاوی دانش آموزان.

۲۳-آموزش برنامه ریزی به دانش آموزان از طریق رفتار و گفتار و کردار خود در کلاس درس و ارائه نظرات مشورتی به آنها در تهیه برنامه.

۲۴- درآمیختن درس با تفریح و بازی دانش آموزان را به یادگیری بیشتر علاقه مند می سازد.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



تعجیل و تهی کردن معنا و محتوا در نکوداشت دسته جمعی مفاخر فرهنگ و ادب



بابک شاکر : برتولت برشت نمایشنامه نویس آلمانی می گوید: "هنر را نمی توان با دستور و سفارش پدید آورد، تنها چکمه را می توان سفارش داد ..." روزگاری ساحت هنر، ساحت جوشش ذات هستی بود، این جمله زمانی ساختاری عینی به خود می گیرد که ما هنر را خوب بشناسیم و به ادراک ساحت خلق اثر هنری پی ببریم. در چنین وضعیتی هنرمند واقعی نیز شناخته می شود، خلق، اثر هنری می کند و رابطه ای مناسب با مخاطب خود برقرار می کند که حتی برشی از یک تصویر، خطوط یک نقاشی، قطعه ای شعر یا روایتی داستانی می تواند نشان دهنده ذات هستی باشد. اثری می تواند در چنین ساحتی فاخر و افتخارآمیز شود که مخاطب را با تمام وجود به سمت خود جلب نماید و اینگونه است که یک مولف ماندگار می شود و اثر هنری او افتخار آمیز ... این مقدمه ای بود بر ساحت خلق هنر و ظهور یک هنرمند و مولف واقعی اما بعد ....

بوشهر از دیرباز ساحل آرامش و جادوی روایتهای آشکار و پنهان دریای بیکران بوده و هست. شعر، شروه، رقص، شیدایی با شرجی و معنای هستی آمیخته بوده و همین امر بر فرهنگی تاثیر گذاشته که مردمانش همواره در تمامی عرصه های زندگی خود شعر و شعور شعری، شور و شیدایی موسیقی، ذهن و زیبایی روایتهای آشکار و پنهان را در خود داشته اند و چه زیبا آن را به زمان سپرده اند و حفظ کرده اند.

با ورود دنیای مدرن به قول کسروی دو مولفه ی اساسی آن یعنی روزنامه و دبستان نیز در بوشهر شکل می گیرد. همزمان با ظهور مدارس نوین بوشهر دارای مدرسه می شود و روزنامه نیز با توجه به حوادث مختلف سیاسی و جنبش های ضد استعماری در این شهر منتشر می شود که خود نشان از بلوغ فرهنگی مردم بوشهر داشته است.

در چنین وضعیتی روح تازه ای به سنت های فرهنگی و ادبی بوشهر وارد می شود، با نیما همراه می شوند، با جمالزاده همصدا می شوند و.... تا جاییکه امروز از تاثیرگذارترین چهره های مهم داستان نویسی و رمان معاصر ایران از همین شهر به عنوان افتخار ایران شکل می گیرند، چوبک، پرویزی، روانی پور و... که علاوه بر خلق ذات هستی جهان خویش، نویسنده هایی خلق شدند که انسان معاصر خود بودند و بر جریان ادب و فرهنگ این شهر تاثیر گذاشتند.

در شعر هم وضعیتی هم شکل داشتیم، شاعران پیشرو و معاصری چون زنده یادان منوچهر آتشی، محمدرضا نعمتی زاده، علی بابا چاهی، شیرزاد محمدآقایی (هر چندکه اصالتا بوشهری نبودند) و... که هر کدام تاثیری خاص و ماندگار بر جریان ادبیات روز ایران گذاشته اند و نمی توان حضور آنان را در جریان ادبیات ایران فراموش کرد.

ترجمه اما حکایت دیگری دارد، مترجمانی که دروازه ورود ادبیات، تاریخ و فرهنگ سرزمین های دیگر در ایران شدند کسانی چون دریابندری، زنگنه، شریفیان، رایین (در تالیف تاریخ) خالق آثاری مانا شدند.

در چنین وضعیتی بوشهر شهر فرهنگ است و سرشار مفاخری که هرکدام به تنهایی می توانند قطبی برای ادبیات و فرهنگ این سرزمین باشند تنها اگر درست، علمی و صحیح دیده شوند.

اداره کل ارشاد بوشهر مراسم تجلیل و نکوداشتی برای عده ای از این مفاخر برگزار نمود، اما گویا این اداره کل که متصدی امور فرهنگی هنری استانی با این پیشینه فرهنگی ست هیچ شناخت کارشناسی از تاریخ و هستی شناسی ادبیات و فرهنگ بوشهر ندارد و صرفا جهت ارائه آمارهایی اداری و برگزاری مراسم هایی نمادین به سرهم بندی موضوعی دست بزند و مغالطه ای را رقم بزند که شاید تاثیری غیر متعارف بر فرهنگ این شهر نیز داشته باشد.

هم کناری پنج چهره فرهنگی به عنوان مفاخر ادبی بدون در نظر داشتن رشته فعالیت آنها، میزان تاثیرگذاری و ژانر فعالیت و همچنین تفکر آنان در خلق امر هنری .... عزیزان و زنده یادان آتشی، شمسی زاده، زنگنه، نعمتی زاده و عمرانی ... این امر غیرکارشناسی تنها زمانی می تواند بوجود آید که متولیان ارشاد و مشاورین امر، بدون در نظر گرفتن این تاریخ، آنتولوژی موجود مکتب ادبیات بوشهر، پدیدارشناسی ظهور یک اثر هنری دست به کاری بزنند و آماری را ارائه کنند که به فرموده باشد و هزینه ی بی فایده شود.

انتظاری نمی رود ارشاد به سمت نکوداشت چوبک یا پرویزی یا ... برود، اما عجیب است که برگزارکنندگان همین مراسم چگونه می خواستند در یک بعدازظهر و در یک مراسم اداری، در خصوص تمامی این عزیزان که هر کدام از ژانر و طبقه بندی ادبی مختلفی بوجود آمده اند یاد کنند؟ نحوه برگزاری مراسم و عدم استقبال از آن و اعتراض های بعد از برگزاری مراسم، نشان داد که دغدغه های اهل فرهنگ و قلم برای بی کیفیت برگزار شدن این مراسم و چنین برنامه هائی، درست بوده است و این مراسم جز به تعجیل و تهی کردن معنا و محتوا انجام نپذیرفت.

امیدوارم روزی متولیان دولتی فرهنگ و هنر، به این صرافت بیفتند که غنای فرهنگی یک جامعه با سفارشی کردن، اداری کردن و ارائه آمارهای ناصحیح بوجود نمی آید، بلکه برای توانمندسازی جامعه امروز باید فرهنگ و داشته های آن را به طور صحیح و بی حب و بغض و ترس ارائه کرد، تا نسل های آینده بدانند و بخوانند و زندگی کنند.

آیا اصلاح طلبان و اعتدالیون برنده انتخاباتند؟

انتظار صدای واحد اصلاح طلبان و اعتدالیون در انتخابات آینده



سیامک برازجانی: با توجه به شرایط کلی جامعه، اتحاد و هم صدایی اصلاح طلبان واعتدالیون رمز پیروزی در انتخابات اردیبهشت ماه آینده است.

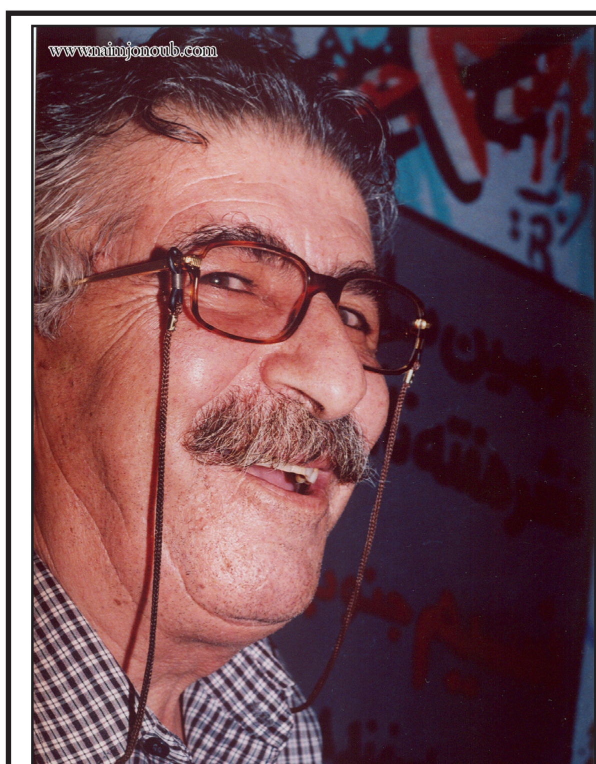
به همین دلیل شایسته است که همه گروه های اصلاح طلب واعتدال گرا، در این چند ماه دور یک میز جمع شوند و کدورت ها را کنار نهاده و با در پیش گرفتن یک استراتژی مشخص، که بتواند باعث همدلی بیشتر همه گروه ها شود، با سرعتی بیش از آنچه تا کنون داشته اند، "خدمات دولت روحانی را بیش ازپیش برای مردم معرفی و روشن نمایند و با برگزاری ماهیانه ی همایش ها و نشست های سیاسی به پیشواز انتخابات بروند".

بدون شک در این ماه های منتهی به انتخابات، تشتت و اختلاف نظر مابین دولت و احزاب اصلاح طلب سمی مهلک در دهان کاندیداهای اصلاح طلبان خواهد ریخت.دوستان اصلاح طلب باید در این ماه های باقی مانده همگی یک "صدای واحد" باشند و با چشم پوشی از برخی کدورت ها فقط و فقط به پیروزی درانتخابات بندیشند. رفتار خوب وسنجیده ی امروز هر یک از احزاب اصلاح طلب، می تواند نتیجه درخور و مناسبی برای اصلاح طلبان واعتدال گران و یا نتیجه بدی برای خود و سودی سرشار برای پایداریچی ها، در روز انتخابات داشته باشد.

امروز هرچه کشتیم، فردا همان نتیجه را از سوی جامعه خواهیم گرفت. امیدوارم که همه دوستداران دولت وبه ویژه اصلاح طلبان عزیز، راه تشتت را به شکلی در پیش نگیرند که نهایتا به نفع جبهه پایداری باشد.

همچنین امیدوارم که دوستان به دلیل آمدن ترامپ رفتاری از خود نشان ندهند که قهر مردم از صندوق رای، در ایران، موجب روی کار آمدن یک گزینه بی برنامه بنیادگرا شود. فهم زمان وشناخت مکان کار خرد ورزان است.

یازدهمین سالکوچ شاعر ماندگار ایران زمین منوچهر آتشی گرامی باد











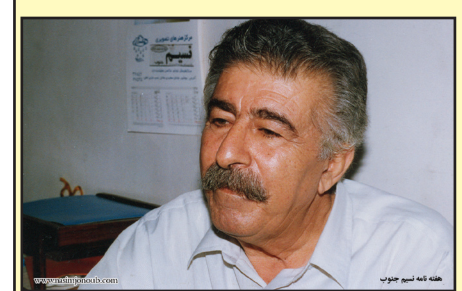








ترجیع بندی برای لنگرگاه همیشگی ام: بوشهر



آه ای همیشه بندر
یابوی خسته‌ای که گاری بزرگ قصیل خلیج را
به سوی شوره زاران
بر شانه می کشانی و هرگز نمی رسانی
چه راه بی نهایتی
چه مژه های تلخ بلندی دارد این آفتاب
که غوا از سراب می رویاند
و زهر از بیابان می جوشاند
چه ظهر پر مخافتی
بندر
صیاد پیر خسته یک دنده
که تور سبز دریا را
غران رقص مدهش شوریده ها و شیر
بر کتف ها گره زده
با قصد روستاهای مطرود
می کشانی
هرگز نمی رسانی
چه اشتهای شومی دارد این آسمان
که می مکد پرنده و ماهی را
به آروارههای حریصش
و قحط می تراود
از بزاق پلیدش
بوشهر خون و قاچاق
بوشهر طاق جنی و خونی
جن قدیم خونی استعمار
بوشهر قهوه خانه و پر حرفی
بوشهر میر مهنا
دریانورد عاصی بی پروا
عیار کوچه ها و کوشک های پر خطر دریا
که ریسمان گیسوی وحشی را
بر کتف ناوهای انیران می تابانی
مغرور می کشانی
تا پیش پای بیرمی سرفراز
چون کهره های قربانی
بر خاک افکنیشان
همواره می کشانی و هرگز نمی رسانی
چه قوم بی شکوه فراموشکاری
دایدم آنچه مرد تواند داد
اما باور نمی کنند
تاریخ چه کاسب وقیح طلبکاری
بوشهر کار و بازار
بازار بوی ماهی
بوشهر شعر و شروه
بوشهر زار زار
در نوحههای بخشو ی پیرار
بوشهر شوره و شکوه
در چله های شبنم وشرجی
بوشهر بوی ماهی
و باز چه رازناک
می خواند آن غریبه شبگرد
در کنج قهوه خانه کاکی
پسین گینی ز بندر بار کردم
غلط کردم که پشت از یار کردم
رسیدم بر سر بست چغادک
نشستم گریه بسیار کردم
بوشهر ! آشیانه شوریدگان دریا دل
نادم به شوره و شکوه و فایز به ناله است باکی
به دام غربت و مفتون اسیر هجر
و آتشی به وادی حیرت
سودابیان بی سر و سامان خویش را
تا چند می دوانی و ... هرگز نمی رسانی؟

